

اردکانی - مبد - رستاق علیا - رستاق سفلی - ندوشن - تخت و فراشاد - مهریز - پیش کوه - میان سکوه - یشت کوه - کذابات - رباطات - بافق - بهاباد - شهر بابک - مردشت و مطابق ثبت صورت مجلس ۹۲۰۰ ورقه تعرفه بشمارت جزو تخصیص و ارسال داشتند و در حوزة مرکزی یزد در ظرف مدت مقرر (۴۰۳۰) ورقه تعرفه توزیع و ازدوازه-م شوال شروع باخذ آراء نموده و در ظرف پنجروز (۲۴۹۹) ورقه برای اخذ آراء روز هفدهم شوال شروع باستخراج آراء حوزة مرکزی نموده و چون از روز سوم قرائت آراء وزارت داخله را بدین ذکر ملت تلگرافاً امر بتوقیف انتخابات داد هیئت نظارت با حضور نماینده حکومت صندوق آراء را با دفاتر و مصالح آن و همچنین دوسه و خلاصه صورت منتخبین بعضی شعبات جزو نمایند پشنگوه - پیش کوه - شهر بابک - مردشت - بهاباد - بافق - رباطات - کذابات - ندوشن که انتخابات را خانه داده و هیئت نظار مرکزی ارسال داشته بودند و هر روز کرده در محل طرف اعتماد معفوظ داشته و شب رستاق علیا چون اخذ آراء نموده بودند صندوق آراء بنظر ادهمان شعبه سپرده شده و باقی شعبات که شروع با انتخابات نموده بودند تلگراف توفیق اعلام شده است در ۲۴ ذی حجه ۱۳۴۸ مجدداً وزارت داخله اجرای انتخابات را امرداد. حکومت هیئت نظار را تشکیل و بجای چند نفر اشخاص غایب و مستغنی همه دیگری تعیین و شروع بخانه دادن همان انتخابات سابق نموده و چون شعبات پلید اردکان - رستاق سفلی - تخت و فراشاد - میانکوه - مهریز اضافه بر تعرفه سابق تقاضای تعرفه نموده بودند هیئت نظار چهار هزار و دویست تعرفه مطابق ثبت صورت مجلس شعبات مذکور ارسال داشته پس از آن بتفشی اوراق و دفاتر انتخابات گذشته و قرائت بقیه آراء توقیف شده شروع نموده از (۱۶۲۶۴) تعرفه که در حوزة مرکزی یزد و شعبات توزیع شده بود (۱۵۱۵۰) ورقه رأی اخذ و در نتیجه قرائت و استخراج کلیه آراء مأخوذه آقای آقا سید ابوالحسن حائری زاده دارای اکثریت (۱۱۲۴۸) رأی بوده هیئت نظار مطابق قانون یک هفته برای اصغای شکایات و یک هفته برای رسیدگی تعیین و در مدت مذکور چند ورقه شکایت که در دوسه موجود است رسیده هیئت نظار پس از رسیدگی شکایات را وارد ندانسته خامه انتخابات و نمایندگی آقا سید ابوالحسن حائری زاده با اکثریت (۱۱۲۴۸) رأی اعلام نموده است شعبه پنج از مراجه و وقت کامل در دوسه و مواد شکایات اهم ارشکاباتی که از هیئت نظار در داده شده و شکایاتی که در مدت قانونی افتتاح مجلس شورای ملی رسیده و تحقیق در مواد شکایاتی که نظر شعبه را جلب نموده یا قطع نظر از تلگرافات ممتد که مبنی بر رضایت از انتخابات رسیده است شکایات را وارد ندانسته و با اتفاق صحت نمایندگی آقا سید ابوالحسن حائری زاده را تصدیق می نماید.

رئیس - نسبت بنمایندگی آقای حائری زاده مخالفی نیست (گفتند خیر)

رئیس - رأی می گیریم بنمایندگی آقای حائری زاده آقایانی که بنمایندگی ایشانرا تصویب میکنند قیام نمایند.

غالب نمایندگان قیام نمودند.

رئیس - تصویب شد حالا شروع می شود بقیه شور در قانونی که از طرف آقای وزیر مالیه پیشنهاد شده یعنی ماده واحده چون نطق آقای سلیمان میرزا در گذشته نا تمام ماند لهذا امروز بقیه نطق خودشانرا می نمایند.

سلیمان میرزا - قبل از آنکه بنده شروع کنم بخواندن قانون زیرا که امروز اگر آقایان فراموش نفرموده باشند در جلسه قبل عرایض بنده باینجا رسید که شروع کردم بخواندن مواد قانون و تقاضا کردم که آقای وزیر مالیه اگر مایل باشند هر يك از مواد قانون را غیر مدنی میدانند و در هر يك از آنها نظریاتی دارند یادداشت فرمایند و بعد از بنده توضیح بدهند و حالا اجازه میخواهم قبل از آنکه شروع کنم بخواندن قانون دوسه کلمه راجع بسوء تفاهماتی که گویا از خارج داخل شده است عرض بدارم که رفع آنها بشود و اولاً اینست باینکه در مرحله اول اظهار کرده ام و با وجود این شاید بعضی ملتفت نشده اند باز تکرار میکنم مخالفتی که بنده شخصاً اینجا اظهار می کنم فقط و فقط راجع بوظیفه و کالتی است و بهیچوجه مربوط باین نیست که بهیئت دولت یا شخص آقای وزیر مالیه يك حمله شده باشد یا آنکه متوقع باشم بعد از رد شدن این قانون سبب بحران یا استعفا بشود در صورتیکه می توانم پیش بینی کنم که این ماده رد نخواهد شد (گفتند انشاء الله) و خودم هم بی میل نیستم این ماده رد نشود چون برای آقایانیکه خیال می کنند بواسطه این ماده مالیه اصلاح میشود یا بواسطه تغییر دادن اسم ادارات یا مثلا تبدیل اسم خزانه بصندوق مالیه درست می شود يك تجربه حاصل می شود خواهد دید که بواسطه این تغییر و تبدیل ادارات یا فرضاً تغییر معاکدات اداری بمعاکدات جزائی و حقوقی مالیه اصلاح نمی شود و شاید آقایانی که امروز در اینجا هستند نظرها این باشد که اگر چنانچه این ماده رد شود آن وقت می گویند یک نفر ایرانی که مکرر شاید در خارج هم میشویم می خواست مالیه مملکتی را اصلاح نماید يك ماده از وکلاء مخالفت کردند و فرصت باو ندادند و الا مالیه ما را اصلاح مینمود در صورتیکه بنده مطمئن هستم باین تغییرات اصلاح نخواهد شد چون از این تغییرات خیلی داده شده است و همه دیدیم و باوجود اینکه بنده مخالف هستم بدم نمی آید این ماده تصویب شود زیرا می دانم باین تغییرات سطحی ابتدا مالیه اصلاح نمی شود بنابر این لازم می دانم نسبت ببعض سوء تفاهماتی که در خارج حاصل شده حتی بعضی از جرایم هم سرایت کرده است توضیح بدهم و رفع سوء تفاهم بشود البته آقایان فراموش فرموده اند که آقای سردار معظم یریشب وقتی فرمودند ملت پیش رفتن کار دو چیز است بنده يك سومی هم ذکر

کردم و آن اجراء نشدن قانون و قبول توصیه و توسط بود والا قانون معاینی که موجبات جرائی این مملکت باشد ندارد بعضی اتهامات و نواقص دارد (البته همه قوانین دنیا اتهامات و نواقص دارد وجود مجلس شورای ملی و برقراری او هم از برای همین است که هر گاه در قوانین مشکلاتی پیش بیاید و نواقص و مبهمانی داشته باشد مجلس تکمیل کند البته قانون منزه نیست نواقص هم دارد اما باید اصلاح شود و برخلاف آنچه بعضی از جرایم گفته اند هیچ از قانون نیست قانون مقصد نیست حاضر است حتی جرایم پایه اعتراضات را بجائی رسانیده اند که از آغاز مشروطیت تا امروز تمام وکلاء را مقصد فرض کرده اند و همه تصمیماتی که در این مملکت رخ داده است بمعده وکلاء دانسته اند (اگر چه اسم نبرده اند ولی) شاید شیخونی هم که بطهران زده شد وسید ضیاء الدین بعنوان دیکتاتوری شیخون زد همه آنها را از قانون گذاران از آغاز مشروطیت تا بحال دانسته اند در صورتی که ابتدا اینطور نیست قانون گذاران از آغاز مشروطیت تا بحال خیلی زحمت کشیده اند و قوانینی که وضع شده است هیچکدام اجازه این دزدبهارا نداده است یکی از آنها قانون تشکیلات مالیه است که بنده هیچ ندیده ام بأمورین مالیه یا سایر قوانین بأمورین عدلیه یا حکام و سایر مأمورین اجازه دزدی دشو گیری یا استفاده های غیر مشروع دیگر را داده باشند گمان نمیکنم چنین اجازه را هیچ قانونی داده باشد پس اگر آنها دزدی کنند چه تصمیمی بر قانون گذار است دیگر آنکه شاید بعضی ها معاندات کرات مجلس و مخالفت بنده را بپرده سرانی و تلافی وقت و مانع بودن از اصلاحات مالیه تصور میکنند فقط چیزی که بنده در آن خصوص میتوانم تصور کنم عدم مانوسیت گویندگان و نویسندگان است بواسطه مجلس شورای ملی والا در مجلس شورای ملی هر قانون و مطلبی وارد شود باید مذاکره شود و عبارتی که گفته اند (توضیح واضحات) شاید از برای نویسندگان و گویندگان اینطور واضح باشد برای بنده که اینطور واضح نیست بنا بر این خوب است همانطور که عرض کردم هفت نفر وزیر هفت ماده پیشنهاد کنند و مجلس بپذیرد و راحت بشود ولی متأسفانه گویندگان و نویسندگان داخل اینطرح نشده اند که معائن این ماده واحده را ذکر کنند تمام فقط همان اظهارات را که عرض کردم کرده اند و بنده عرض می کنم این اظهارات از نقطه نظر عدم مانوسیت بترتیب مجلس شورای ملی است چون شش هفت سال است مجلس در این مملکت از بین رفته بود لهذا فراموش فرمودند البته مذاکرات مجلس شورای ملی چه در اینجا چه در جای دیگر طول میکشد مخصوصاً در مالیه و بالاخره هم چنانکه بعضی ها تکرار می کنند و گفته اند ماو آتی بنده هم آن جمله را تکرار می کنم (ماو آتی بنده) که باین ماده قانون مالیه اصلاح خواهد شد یا خیر اصلاح مالیه تنها منوط باینست که معاصین فنی است چه از ممالک غیر همجوار چه از سایر جا های دیگر و رعایت امتیاز فنی این یکجا علاج اصلاح مالیه مملکت است امتیاز فنی یعنی چه -

یعنی از روی استحقاق روی يك تبدیلی نشستن نه از روی توصیه و توسط و عدم استحقاق وقتی کسی از روی توصیه و توسط و عدم استحقاق مقامی را اشغال کرد افکار عمومی خراب می شود و آرزوی همه این می شود که عقب توصیه و توسط برود دیگر در بی صحت و درستی و قابلیت و امانت و صداقت نخواهد رفت شاید خیلی معایب دیگر هم داشته باشد ولی اصول معاینش اینها است و همچنین هیئت دولت و مجلس هم در این نظریه موافق هستند که باینهرچه زودتر متخصصین را برای ادارات خصوصاً مالیه معین نماید که از روی علم و اطلاع مالیه را اصلاح کنند و شاید پس از ظرف سه ماه که آخر مدت این ماده است آنها حاضر شوند و يك ترتیبی فراهم بیاورند که مالیه رو باصلاح برود باری بعد از اینچند کلمه که عرض کردم باز یادآوری می کنم که آنشب عرض کردم خیال دارم تمام مواد قانون را بخوانم و حالا می بینم شاید اسباب زحمت آقایان بشود و علاوه البته آقای وزیر مالیه مواد قانون را میدانند بنابراین امروز فقط اکتفا میکنم بچند ماده از کلیات که ملاحظه فرمایند آیا باین مواد که نوشته شده اگر عدل میشد آیا این اعتراضات پیش می آید و این خرابیها پیدا می شد و آیا تقصیر با کمیسیون حوالجات است یا با قانون است یا بواسطه اجرا نکردن قانون بنابراین شروع می کنم و از اول قانون تشکیلات مالیه را برای آقای وزیر قرائت می کنم به بینم آیا چه در نظر دارند قانون تشکیلات وزارت مالیه کل مملکتی ایران

ماده اول - وزارت مالیه بتقسیمات ذیل تقسیم می شود.

۱ - دایرة وزارتى گمان نمیکنم آقای وزیر بخوانند این ورقه را تغییر بدهند شاید هم بخوانند نمی دانم.

۲ - اداره تشخیص عایدات و خالصجات و مسکوکات در این ماده هم اگر آقای وزیر مالیه به خواهند تغییری بدهند ممکن است مسکوکات را تغییر دهند و ضرایبانه بنویسند یا خالصجات را جدا کنند باز گمان نمیکنم معنی تغییری بسکند شاید اسم تغییر کند

۳ - اداره خزانه داری کل اینرا هم که فرمودند بصندوق تبدیل می شود.

۴ - اداره محاسبات کل مالیه و دیون عمومی و وظائف.

۵ - اداره گمرکات ظاهراً گمرکات و محاسبات هم تغییری نخواهد کرد.

۶ - اداره معاکدات مالیه

۷ - کمیسیون تطبیق حوالجات

۸ - دایرة پرسنل و ملزومات

۹ - مجلس مشاوره عالی برای معاکدات اداره آقای وزیر مالیه ممکن است فرمایند که معایب این سه ماده چیست و وقتیکه این ماده قانون پیشنهادی ایشان تصویب شد و بایشان اختیار داده شد بجهت قسم اصلاح خواهند کرد و بطور کم و زیاد می کنند حالا بر می گردیم بکمیسیون تطبیق حوالجات

که این اندازه راجع باو اعتراضات می شود و يك تقصیر هفو نشدنی که کرده است اینست که شیفته خالی لیونار را حساب کرده است حالا ترتیب این جایش چه قسم می شود آن را کنار نداریم و طاعتش.

ماده ۴۷ وظایف کمیسیون تطبیق حوالجات بشرح ذیل است

۱ - تطبیق حوالجات مستقیم و اعتباری با بودجه ها و اعتبارات

مصوبه و تصدیق آنها قبل از رسیدن بامضای وزیر مالیه مقصود از این ماده این است که مجلس يك بودجه یا اعتباری را که تصویب کرده وقتی وزیر حوالجاتی میدهد و بکمیسیون تطبیق حوالجات میرود باید با آن بودجه مصوبه تطبیق بکند اگر در مجلس شورای ملی تصدیق کرده اند او هم تصدیق بکند و اگر رد کرده اند او هم رد میکند حالا اگر مجلس نبود و يك بودجه بتصویب مجلس نرسیده یا فلان اعتبار بتصویب مجلس نرسیده در این صورت تقصیری بر او وارد نیست.

۲ - رسیدگی بحساب ادارات صاحب جمع نقدی و اجناس که در حکم نقدی است

نمیدانم کمیسیون تطبیق حوالجات در اینند قدرت نتوانسته است بحساب اشخاصی که صاحب جمع نقدی بوده اند رسیدگی کند یا خیر. و اگر کمیسیون تطبیق حوالجات نمیتوانست این وظیفه را انجام دهد یعنی اولیاء امور وقت را از تقویم می کردند و کمیسیون حساب مأمورین مالیه را بیک بعد از دیگری رسیدگی میکرد آیا امروز اینقدر بقایا پیدا میشود در صورت آیا تقصیر با قانون است یا قانون گذار یا عدم اجرای قانون

۳ - رسیدگی بحساب وزارتخانه ها و کمیانی ها و اشخاصی که مطابق قرار دادها باین حق بدولت بدهند

اگر با کمیسیون تطبیق حوالجات مساعدت می کردند و او بتسکایف خودش عمل میکرد حساب کمیانیها و اشخاصی که بدولت مدیون هستند و باید بدهند رسیدگی میکرد و طلب دولت گرفته میشد آیا حالا ما آنقدر دچار مشکلات میشدیم نه شاید آنقدر کسر بودجه هم پیدا نمیکردیم آیا کمیسیون این وظیفه را انجام نداد یعنی باو مساعدت نشد نمیدانم با این ترتیب تقصیر قانون است یا قانون گذار یا عدم اجرای قانون

(ماده ۴۸ - کمیسیون میتواند هر نوع اطلاعات راجعه بامیادات و مخارج دولتی را که لازم بداند از ادارات و دوائر مالیه مستقیماً و از ادارات دیگر بتوسط وزارت مالیه بخواند و تمام آنها مکلف در دادن این اطلاعات هستند)

(ماده ۴۹ - اگر کمیسیون در ضمن اجرای وظایف خود نقضی در اجرای قوانین و نظامنامه های راجع بمالیه مشاهده کند و باقلب و غیباتی بینه در مراتب را بوزیر مالیه اطلاع میدهد

اینجا نوشته شده اجازه دزدبهارا بدهد اینجا نوشته است که راپورت میدهد و جلوگیری می کند در

این صورت من نمیدانم چه سبب شده است که این ترتیبات و دزدی های ادارات را بقانون نسبت می دهند.

ماده ۵۰ - تصویب و تصدیق کمیسیون رفع مسئولیت از وزیر مالیه نمیکند دست وزیر مالیه هم باز است چون اوستا است باوجود اینکه کمیسیون رأی میدهد سلب مسئولیت از وزیر مالیه نمیکند

ماده ۵۱ - تصمیمات اداری اعضای کمیسیون مزبور در مجلس مشاوره عالی رسیدگی میشود ولی راپورت مجلس مشاوره عالی در صورت محکومیت اعضا کمیسیون بقرارات ۷ و ۶ و ۷ و ۸

ماده ۶۲ - پس از تصویب مجلس شورای ملی و در غیاب مجلس پس از تصویب هیئت وزراء بموقع اجرا گذاشته میشود.

مراد این قانون را که فعلاً طرف حمله است هر کدام را ببینیم همین قسم است شاید بعضی نواقص و ابهامات داشته باشد اما بهیچ وجه این قانون سبب نشده است که این خراب کاریها در مالیه بشود یا اینکه غیر معمولی بودنش را بنده نمیدانم چون میخواهم وقت مجلس را بنده شخصاً اشغال کنم بنابراین همین چند ماده که خواندم اکتفا میکنم و آقای وزیر مالیه اگر ممکن است و جزء اسرار نخواهد بود چون اگر جزء اسرار هم باشد پس از يك هفته دیگر بروز نخواهد کرد اگر نقشه در نظر گرفته اند و بآن ترتیب میخواهند مالیه مملکتی را اصلاح کنند فرمایند تا ما هم مطلع شده و همه مردم هم که فرمودند افکارشان روشن است روشن نشود و اگر هم مصلحت نمیدانند مختارند.

وزیر مالیه - بنده در جواب هاهرازه چیزی که عرض میکنم اینست که راجع بمستشارها اگر مذاکرانی شده که مستشار های مالیه می آیند و مالیه را اصلاح میکنند نباید در این خصوص تا این درجه غلو کرد ملتی که نتواند برای خودش کار کند نباید هیچوقت انتظار داشته باشد که دیگری از خارج آمده و برای او کار کند (گفته شد صحیح است).

شما این مستشارها را که اینجا می آورید یا خودتان را اجیر میکنم بحکم اومیکند یا اینکه این مستشار در تحت حکم شما است اگر مستشار در تحت حکم شما شد پس شما آمران لایقی هستید که مأمور نمیشوند بحکم شما رسیدگی بکار کند برای اینکه اگر بنا باشد شما عدم لیاقت خود را اثبات کرده بگوئید ما نالایق هستیم و نمی توانیم بدون مستشار کار کنیم و مالیه مملکتی ما بهیچوجه اداره نخواهد شد مگر آنکه مستشار بیاید بنده از همه ملتی مایوسم (صحیح است) بنده نمیتوانم قبول کنم که يك ملتی منظر باشد يك اجنبی مملکت او را اصلاح کند و وقتی می آید باید فهمید مرکز انگاه او چیست اگر يك مستشاری بیاید وقتی شما نالایق باشید و مرکز انگاه آن مستشار باشد مرکز انگاه آن مستشار آنوقت یکی از سفارتخانه های خواهد بود که در این مملکت قوی است و آن مستشار بحرف شما تمکین نمیکند و نوکر آن سفارت خواهد شد پس بنابراین شما نباید انتظار داشته باشید که يك

اجنبی آمده و خانه شما را درست کند وقتی او خوب کار میکند که شما وزیر فقیه و یار امان خوب و ملت خوب داشته باشید و قتی که شما وزیر خوب نداشته باشید وکیل خوب نداشته باشید یار امان و حیات و افتخار عمومی خوب نداشته باشید باید مستشار هم مراکز انکائی نداشته و بآن طرفی تکیه خواهد کرد که قوی بوده و مراکز انکاء او باشد و البته آنهم یک مرکز انکائی خواهد بود که منافقش با منافق ایرانست و قومیت ما مخالف است پس بنابرین نباید انتظار داشته باشید که مستشار در اینجا نباید و البته شما را درست و اصلاح کند آن کسی که می گوید مستشار می تواند ماله ما را اصلاح کند من منکر او هستم و می گویم مستشار باید در این مملکت نباید و رئیس اداره باشد زیرا آنها اشخاصی هستند که با ایرانی هیچ وجه خصوصیت ندارند توصیه قبول نمیکند کسی از آنها توقع ندارد . لذا دوام میکند دوام وعدم دوام آنها هم باید باخته های شما باشد اگر تکیه گاه آن مستشاران یار امان و مردم هستند تکیه گاه وزیر هم نیست همین یار امان است چرا وزیر دوام ندارد و این مستشار دوام دارد پس معلوم میشود که تکیه گاه مستشار جای دیگری است که دوام دارد و اگر مراکز انکاء مستشار هم شما هستند پس باید بی دوام باشد همچنانکه ایرانی بی دوام است و وقتی بی دوام باشد چگونه یک اغراض خصوصی و یک منافع و استفاده های پیدا می شود و اشخاصی که می خواهند اصلاح شود یا اوضاعی میکنند و او را از کار بیرون میکنند پس باید فقیه که دوام مستشار برای خاطر شما بر درست شما نیست بلکه دوام اروپائی بواسطه تسلط است که در اینجا دوام میکند و علت دوام مستشار بر اساس اینست که فلان خارجی وقتی پارتی او شد و با او موافقت کرده حامی او میشود آنوقت اغراض خصوصی ما پیش می رود دلیل دیگرش این است که مستشار کسی را نمی شناسد اما وقتی وزیر شما کسی را شناخت شما با اوضدیت می کنید .

البته وقتی وزیر پیش کسی با او صحبت نمیکند کار صحیح می کند وقتی ببیند یک پارلمانی است که طالب اصلاحات است آن وزیر هم قهراً عکار خوب می کند .

پس وقتی که وزیر کار خوب نمی کند برای این است که مردم نمی خواهند کار خوب بشود وقتی که مردم نمی خواهند کار خوب شود وزیر هم طبعاً عکار خوبی نمیکند زیرا می گوید دلیل ندارد من خودم را با مردم طرف هستم دو روز عمر دارم دست از زندگانی روزم بر نداشته بهتر ترتیبی است یک کاری می کنم خوب شود باید بشود پس چه مربوط است این مردم هم با اینطور اشخاص همیشه مسامحت دارند .

اما اگر وزیر بخواهد کار بکند چاره گیری از تجاوزات بکند یک دماغی برضد او می شود و یک دستچانی تشکیل می کنند و او را بزودی بر زمین می زنند آنوقت می بینیم هر کس تذکر و طالب حقیقی اصلاح و علاقه مند با اصلاح بود نتوانسته است کار بکند اما

اینکه خواه از دماز کمیسیون تطبیق حوالجات مذاکره فرمودند بنده خودم دوسرورت حساب فرستادم بکسی راجع بمعدل الدوله پیشکار آذربایجان چون راپورتی از آذربایجان رسیده بود راجع به معاملات جنسی آنجا که متصدی آن معدل الدوله بود بنده فرستادم به کمیسیون تطبیق حوالجات و دیگر یک حسابی بود راجع به میرزا قاسمخان آصف الملک شیرازی که در جراید نوشته شده بود آنرا هم بنده فرستادم به کمیسیون متأسفانه بعد از هشت نه ماه هیچ اقدامی نکردند و همانجا ماند .

تصور نفرمائید تمام قصور با وزارت ماله بوده خیر کارها با آنجا فرستاده می شد وقتی که می دیدند کار خیلی معطل می شود و نمی توان آنقدر تطبیل را قبول کرد آنوقت باینجهت کارها با آنجا فرستاده شده و بعد هم چون کار در یک خط بدی افتاده و همین طور شده است که ملاحظه می کنید و اما اینکه می فرمائید ما بوس از اصلاحات وزارت ماله هستند بنده از روز اول یک لایحه پیشنهاد کردم که کمیسیون از مجلس بگذرد و نقطه نظر بنده این نبود که در ماله مالک الرقاب و دیکناتور باشم چون بعضی مواد قانون تشکیلات امروزه را عملی نمی دانم و با سلیقه بنده فرق دارد و البته لازم نیست که اگر سلیقه بنده موافقت با قانون دیگری بکند حکماً آن عملی باشد یا بالعکس بنده شخصاً عقیده ام این بود که این قانون بعضی از مواضع عملی نیست و محتاج بتغییرات است و از آنجا که معتقد بوده ام هیچ ماده قانونی را نمی توان تغییر داد یا برخلافش رفتار نمود مگر آنکه از طرف مجلس اجازه داده شود .

این بود که در کمیسیون بنده پیشنهاد کردم برای اینکه از طرف مجلس ناظر باشند بکسی در عبادات و یکی در خارج ماله .

ملا اگر دولت از یک مملکتی مستشارخواست گفت نمی آیم یا آن دولت نخواست و قبول نکرد مستشار بفرستد باید ماله ما بهیچ حال باقی باشد گمان نمی کنم تصدیق بکنند .

بنابرین بنده از این نقطه نظر که صورت بهتری داشت در کمیسیون پیشنهاد کردم که حالا بصورت دیگری در آمده است پیشنهاد کردم که اگر یکی از مواد قانون تشکیلات عملی نباشد و بخواهیم تغییر بدیم مورد استیضاح واقع شود آنها را در کمیسیون ماله روزاول قرائت کردند مذاکراتی شد و بعد دیگر مجبور شد در جلسه دیگر آقای امیر الدوله و آقای موتمن الملک هم تشریف داشتند بالاخره این ماده نوشته شد حالا این مذاکراتی که می شود خودش اسباب یک یأس می شود که دیگر هیچکس در این مملکت نتواند سر بلند کند یا کار بکند اما اینکه فرمودید کمیسیون تطبیق حوالجات چه کارهایی کرده این را هم سر کار نمی توانید تشخیص بدیم زیرا سر کار در این مملکت نبودید و اگر هم در این مملکت بوده اید هیچگاه داخل در ماله نبودید و قتی که از کمیسیون تطبیق بمعاونت وزارت ماله منتقل شدم مقصودم در زمان تصدی و معاونت خود در وزارت ماله همیشه این بود که هیچ کاری نشود مگر اینکه به

تصویب کمیسیون مزبور باشد و بالاخره بکمیته می مابین بنده و کمیسیون تطبیق سخت در گرفت اوراق درخواست که با آنجا می فرستادم یکماه معطل می شد حتی بنده بکمیسیون نوشتم شما مکلف هستید در عرض سه روز آنچه را که شما میسر شد مثبت یا منفی جواب بدهید و از آنجا که آنها مستقیماً در تحت حکم و امر قوی وزارت ماله نبودند و از طرف مجلس شورای ملی انتخاب شده بودند نظر خودشان را اجراء میکردند و وزیر هم بآنها نمی توانست حکم کند چون یک عضو کهنزل و نمب او درست وزیر ماله نباشد البته هر کاری بخواهد می کند کار کند یا نکند اهمیت نمی دهد اما اینکه می فرمائید هیچ حساب برای ایشان فرستاده این طور نیست و چنانچه عرض کردم فرستاده میشد خلاصه پس از مذاکرات در کمیسیون قوانین ماله رای کمیسیون باین قرار گرفت آنجا که بنده پیشنهاد کرده بودم نباشد و بجای او این ماده واحد تهیه و بمجلس آمده باشد چون نظر کمیسیون اینطور قرار گرفته بود بنده هم موافقت کردم باز هم عرض میکنم بنده نظر آن اشخاصی را که معتقد هستند از ایرانی کاریش نمیرود و نمی توانند کار بکنند یا اینکه دیگری آمده ما را اداره بکنند بنده کار را رد می کنم و اشخاصی که علاقه مند بومان و مملکت هستند خوب بود عوض اینکه اینجا مواد قانون را بخوانند و در پارلمان از یک وزیر پرسند که شما کدام را قبول دارید و کدام را قبول ندارید (البته اگر بنده عرض میکنم وزیر باید اجازه و سیمی در کلبه امور داشته باشد که هر کدام را قبول ندارد بصورتیکه عکار مملکت زمین نماند بدون اینکه معطل شود هر چه بنظرش میرسد بکند و قانون آنرا بمجلس پیشنهاد کند خوب بود آقایان که بموجب قانون اساسی در کارهای ماله مملکت دخیل و در اصلاح مملکت علاقه مند می باشد عوض آنکه کمیسیون که پیشنهاد شده بود میگفتند ده کمیسیون باید باشد و می گفتند عوض آنکه کمیسیون باید یک عده زیادی از طرف مجلس بیرون در ماله باشند و این صورتهای امروزی را در تحت نظارت در آورند و یک طوری بکنند که ماله ما بهتر از این صورت نشود اینکه می فرمائید قانون اجراء نشده صحیح است مسلم است اجرا نکردن قانون بواسطه نداشتن نیت خوب است زیرا بواسطه نداشتن نیت خوب روزگار ماله مملکت ما باین روز افتاده است بنابرین وضعیات حاضر مسلم است خوش نیست و گمان نمی کنم کسی هم تصدیق کند که ماله مملکت ما حالش خوش است همه می دانند یا چه عبرتی امروزه چرخهای ماله حرکت می کند و کسی نمی داند بعد از هر حرکت خواهد کرد بنا بر این بودن یا نبودن قانون یا نسخ یا موقوف - الاجرا بودن آن یک چیزهایی است که فعلاً مربوط باصلاح ماله مملکت نیست اگر امروزه یک عملیاتی در ماله مملکتی ما بشود ممکن است برای بعد خوب باشد والا قانون را شما نگهدارید یا نسخ کنید قریق ندارد چیزی که هست اینکه اگر بخواهید این قانون اصلاحاتی بکنید بعضی از مواد قانون است که کافی گذارد شما آن اصلاحات را بکنید و اگر نقش کذب البته خلاف قانون رفتار کرده اید بنا بر این بنده اینطور به ترمی دانستم که

شاهزاده که حامی قانون هستند بکفتری حامی اصلاح وزارت ماله باشند و اگر باین ماده که بنده پیشنهاد کردم معتقد نبودید خودشان بفرمایند به ترتیب وزارت ماله باید اصلاح شود ایشان یک وکیل هستند و حق دارند ۱۵ نفر را بخود همراه کرده و یک قانونی پیشنهاد کنند ببیند طریق اصلاح این ماله چیست پس باید فیهید علت اینکه ماله ما باین حال افتاده است و اینکه می گویند ایرانی نمی تواند کار کند مگر بواسطه وجود خارجی هیچ خارجی دلش برای ما سوخته است هیچ خارجی در فکر خاتمه نیست اگر شما خودتان فکر خود نیاید خارجی فکر شما نیست بنده همان روزی که وزارت ماله را عهددار شدم یک اختیاراتی خواستم تا بتوانم کار کنم اگر اختیار ندهند دستهای بنده بسته باشد و بخواهند کار کنم بنده نمی توانم این شرط اول بنده بود و عرض بنده از این ماده این بود که تصور می کردم وقت و موضوع رسیده که ماله اصلاح بشود بنده تصور می کردم وقتی این ماده بمجلس باید یک اتفاق کامل تصویب می شود و در خارج یک آمار خوبی برای بنده که می خواهم وزارت ماله را اصلاح کنم خواهم داشت حال امن می- بینم یک مخالفتی می شود و در خارج اشخاصی که منکر اصلاح بوده و این اصلاحات را مضر می دانند وقتی بشنوند باینکه اکثریت مجلس باین قانون رای داده است یک عده مخالف هستند آنوقت این اشخاصی که مخالف باین ترتیب هستند پیش خود خواهند گفت ما می توانیم از اختلافات آنها استفاده کرده با نظریات مخالفین موافقت نموده و اسباب زحمت کارکنان وقت را فراهم آورده نگذاریم کار کنند اینست که آن روز اول که بنده بمجلس آمدم و این مواد را پیشنهاد کردم باینکه بدواری کاملی تصور می کردم که همه آقایان طالب اصلاحات وزارت ماله هستند و حالا بعکس می- بینم مخالفتی می شود و ممکن بود دوام با چهار روز دیگر که ثابت می شد یک ایرانی می خواست وزارت ماله را اصلاح کند و نتوانست آن روز این فرمایشات را می فرمودند بنده از اول بنده را کسل و آزرده خاطر و مأیوس کرده و عده در خارج حاضر کنند که بگویند مجلس هم باین اصلاح و این ترتیب موافقت ندارد البته همه می دانند در اصلاحات برای هیچکس نفی نیست ولیکن در خرابی قیامده است هر ساعت یک دولتی بخواهد قلم بردارد و بوجه را اصلاح کند همه مردم با او طرف خواهند بود بنابرین باین صورتهائی که در کار پیدا شده تصور میکنم که این ماده اگر با اکثریت نصف علاوه یک هم بگذرد باز آن اشخاص مفتخوار که در خارج هستند و می دانند عده مخالف بوده اند در خیال استفاده خواهند بود و بنده اول که عضویت کابینه را قبول کردم باین شرط بود که اختیاراتی بمن داده شود دست بنده را باز بگذارند و بتوانم کار کنم بنده مقصود نداشتم که در مجلس بیایم و کشتی بگیرم بنده خواستم به مملکت و ماله مملکت خدمت کنم مقصودم چیز دیگری نیست این مقصود بنده بود و نمی خواستم با کسی کشتی بگیرم .

آقای وزیر ماله پس از اختتام نطق خود از مجلس

خارج شدند .

رئیس - آقای مدرس و چند نفر دیگر پیشنهاد کرده اند مذاکرات کافی باشد آقایان مذاکرات را کافی می دانند .

(جمعی گفتند کافی است)

سلیمان میرزا - بنده عرض دارم اجازه می فرمائید .

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی می دانند چون آقای وزیر چطور مذاکرات را کافی می دانند چون آقای وزیر یک نهتهائی به بنده زدند بنده چهار و ساحت باینم **رئیس** - اگر توضیحی دارید بفرمائید

سلیمان میرزا - متأسفانه آقای وزیر تشریف بردند .

در ضمن دفاع قانون یک نسیتهائی برایش بنده دادند که بنده جداً آنها را تکذیب میکنم مثلاً فرمودند که بنده نسبت به مستشاران خارجه گفته ام که مستشار ها باید مملکت ما را اصلاح کنند و یک اختیارات مافوق وزیر داشته باشند ایشان اینطور ترجمه فرمودند که هر کس علاقه مند باین باشد که دیگری بیاید و مملکت را اداره کند باید مأیوس باشد هر کس مملکت اداره نخواهد شد بنده هم این عقیده را دارم که دیگری نباید بیاید مملکت را اداره کند و نباید در این مملکت مداخله نماید شاید یک شخصی که در این عقیده بیشتر جدی بوده و بیشتر دوندگی کنند بنده باشم نه آقای وزیر

نصرت الدوله - تأمل بفرمائید موفیق که آقای وزیر تشریف می آورند بفرمائید

سلیمان میرزا - بنده حاضر هم وقت تشریف می آورند باز عرض کنم چون به بنده تهمت زده و نسبت هائی داده اند بنده وظیفه ام اینست که دفاع کنم بنده بکلی تکذیب میکنم آنچه را که ایشان فرمودند .

بلی بنده طرفدار این هستم که مستشار باید بیاید امور اداری مملکت ما را اصلاح کند حریصاً عرض میکنم مادر مملکت خودمان اشخاص عالم با اندازه نداریم و چون بنده امتیاز فاضلی را قائل هستم عرض میکنم آنها عالمتر و متخصص ترند آنها را مقدم بدارم و پیشنهاد میکنم برای ادارات جلب شوند و ما هم اختیار داریم نه آن عباراتی که آقای وزیر فرمودند که خودش را متکی بیکم از سفارتخانه میکند این مذاکرات خارج از ترتیب مجلس بود . خیر اگر در این مملکت تکیه کردن بقوای خارجی اسباب پیشرفت میشد و خیلی از وزرای ما تکیه کردند از همه بیشتر آقای سیدضیاءالدین و وثوق الدوله که تکیه کردند ولی نتوانستند کاری بکنند

رئیس - از حدود توضیح خارج نشوید

سلیمان میرزا - بچشم بنده عرض میکنم آنطوریکه آقای وزیر ماله فرمودند که بنده علاقه مند باصلاح مملکت نیستم اگر مقصودشان این عبارت بود کاملاً تکذیب میکنم و همچنین آنچه را که در باب مستشارها فرمودند مقصود بنده آنطور نیست و آمدن مستشار تکلیفش معلوم است و اینها یک

چیز هائی است که هیچ در مذاکرات بنده داخل نبود .

رئیس - رای میکنیم که مذاکرات کافی است یا خیر . آقایان یک مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند .

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . رای میکنیم که داخل در شورویم یاسیم بشویم یا نه .

سر دارم عظم - اجازه بفرمائید

رئیس - بفرمائید

سر دارم عظم - رای دخول در شور گمان میکنم در روزی که شروع میشود باید گرفته شود .

رئیس - خیر جزء شور اول است امروز باید رای بگیریم که داخل شور دوم بشویم یا خیر - پس از آنکه رای دادید شور دوم باید بشود آنوقت پنج روز دیگر شور دوم بعمل خواهد آمد (گفته شد صبح است) رای می گیریم که پنج روز دیگر شور دوم بعمل بیاید یا خیر - آقایان یک تصویب میکنند قیام نمایند .

(اقبال قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . نسبت به ماده چین هم فراموش شد که این رای گرفته شود چون شور اول بود باید رای گرفته شود که داخل شور دوم بشویم یا نه رای می گیریم که راجع به ماده چین داخل شور دوم بشویم آقایان یک معتقد بشود دوم ماده چین هستند قیام فرمائید

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . آقای شیخ الاسلام نمایندۀ اصفهان از وزیر پست و تلگراف راجع بقرارداد پستی بین ایران و افغانستان سؤالی دارند وزیر هم برای جواب حاضرند سؤالی را بفرمائید تا جواب دهند .

شیخ الاسلام - این سؤالی است که توسط مقام ریاست مجلس شورای ملی کرده ام که سورتش قرائت میشود

(بهضمون ذیل قرائت نمودند)

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی از قرار بعضی اخبار موقته قرار داد پستی نمایندگان دولتین علین السلامین ایران و افغانستان منعقد شده و مقرر شده است بموقع اجراء گذارده شود و حال آنکه مطابق قانون اساسی ایران قرارداد باید اول بمجلس شورای ملی مراجعه شده و پس از تصویب بموقع اجراء گذارده شود از ریاست وزراء عظم سؤالی شود که چگونه قرارداد فوق بمجلس شورای ملی مراجعه نشده است

وزیر پست و تلگراف - اطلاعات جناب شیخ الاسلام را تکذیب میکنم چنانچه خاطر محترم نمایندگان مسبوق است عهد نامه مودت بین دولت ایران و افغانستان بمجلس تقدیم شده و مجلس هم بکمیسیون خارجه مراجعه کرده انشاء الله بزودی به مجلس خواهد آمد و نه و بخواهد شد در ضمن این

مهدانه يك ماده راجع بافتتاح روابط پستی و تلگرافی است که بعد از آنکه مهدانه از مجلس گذشت قرارداد پستی بمجلس شورای ملی تقدیم خواهد شد مواد آن هم حاضر است ولی انتظار داریم بزودی مهدانه بگذرد تا آن قرار داد پستی تقدیم مجلس شورای ملی بشود البته قبل از اینکه از تصویب مجلس بگذرد بموقع اجرا گذارد نخواهد شد

رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی سؤال راجع به کتبر های ارویائی از آقای وزیر معارف داشتند .

شیخ الاسلام - این سؤال را هم توسط مقام ریاست مجلس شورای ملی باینقسم بنده کرده ام

(بعضون ذیل قرائت نمودند)
(مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی)

پیشنهاد میکنم باستفاده نامه معالین طب که شکایت از دو نفر دکتر و یک نفر خانم خارجی کرده اند و در روزنامه های معلی هم مثل ستاره ایران ۵۷ جمعه بیست و هفتم معرم درج شده رسیدگی و تعقیب شود .

رئیس - از حدود سؤال خارج است معنی سؤال ندارد .

شیخ الاسلام - عرض بنده این است که اقدامی راجع به آنها شده است باینکه بهمان حال بانی است

وزیر معارف - بلی سوه تفاهمی بنجامه قبلا بین شاگردان دارالفنون و اطباء معالج مریض خانه دولتی شده بود بنده از آنها توضیحاتی خواستم معلوم شد که يك سوه تقاسم ساده است مثلا در اطلاق عملیات جراحی قانون نیست که وقتی جراح عمل می کند نباید داخل شد حتی بعضی از آقایان که از ترتیبات مریضخانه اطلاع دارند می دانند که وقتی عملیات جراحی می شود اطباء و اشخاص که معالج هستند باید دستمال را بهمانشان بگیرند تا وقتی که از دهانشان خارج می شود و ترشح می کنند آن میکروبها داخل در جراحات مریض نشود وقتی که شروع بعمل کردند دیگر داخل در اطلاق شدن مشکل است گویا یکی در دفعه ها کردها خواسته اند داخل اطلاق شوند خادم پرستاره (دیر کریس) که مدبره اطلاق عملیات است گویا گفته است مشغول عملیات هستند و چون بموقع نرسیدند خوب است داخل نشوید و بعد از آنکه آنها توضیحاتی خواستم گفتند هیچ ممکن نیست از راه توهین اقدامی شده باشد از راه تعلیم بود این بود که این مسئله را سوه تفاهم دانستم و با شاگردان مذاکره کردم که قبل از وقت بردند و از روی يك ترتیب صحیحی باشد که این سوه تفاهمات پیدا نشود

رئیس - بموجب رفته . آقای رئیس الوزراء نوشته اند آقای منصور الملک را بسمت معاونت وزارت داخله معرفی کرده اند و برای تعیین سؤالاتی که شده حاضرند جواب بدهند

شاهزاده سلیمان میرزا سؤالی راجع باوضاع

آذربایجان دارند و آقای آقا سید یعقوب سؤالی راجع بانتخابات آنجا دارند و آقای معاون برای هر دو حاضر هستند

معاونت وزارت داخله - بلی
رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه

سلیمان میرزا - بعضی تذکر آقای معاون وزارت داخله عرض میکنم قبل از آنکه وزیر معارف شوند بنده اجازه گرفتن و در این مجلس راجع باذربایجان بطور پیشنهاد مذاکره ای کردم و تصور می کردم بعد از آنکه هیئت وزراء معرفی شدند دیگر محتاج بتجدید مطلب نخواهد شد فعلا می بینم همانطور که همه آقایان در جراید مطالعه فرموده اند و خود آقای معاون هم البته بیشتر از سایرین اطلاع دارند اوضاع آذربایجان و امنیت آن حدود چندان خوب نیست و باید از برای يك قسمتی از مملکت مثل آذربایجان سعی کنند که زودتر امنیت حاصل شود گمان می کنم آقای معاون هیئت دولت با بنده موافقت داشته باشند ولی چون از اقداماتی که هیئت دولت در این زمینه کرده اند اطلاعی ندارم بعضی مزید اطلاع و رفر پایشانی حواس که آیا در آذربایجان باهالی آنجا چه میگذازد و باهالی آنجا چطور زندگانی میکنند و برای اینکه از آذربایجان وکیل در مجلس نیست در واقع ما تمام وکیل آذربایجان هستیم بنابراین بنده مثل يك نفر وکیل آذربایجان که هیچ فرقی با طهران ندارد از آقای معاون سؤال می کنم که آیا برای اصلاح و امنیت آذربایجان چه اقداماتی در نظر گرفته اند و چه عملیاتی فرمودند یا خواهند فرمود که در آتیه خیلی نزدیکی اهالی آنجا راحت باشند و اشرار و مجاسرین که در این حدود تجاوزاتی می کنند بکنی قلع رقع شوند و غائله آذربایجان بر طرف شود و در این قسمت از مملکت مزیت ما بزودی امنیت و رفاهیت حاصل شود .

معاون وزارت داخله - البته همه آقایان مسبوق هستند که مدتی است قضیه اسمعیل آقای سبکتو در صفحات غربی آذربایجانی پیش آمده و تولید يك مشکلائی کرده است مقارن تشکیل این کابینه یعنی اوایل کابینه آقای قوام السلطنه بر عهد انباش اسمعیل آقا و متردین آن صفحات خیلی افزوده شد و قوت گرفتند و در مقابل هم يك مشکلات معلی در تمام آذربایجان پیش آمده بود که بتناسب فزونی عده متردین وسایل دفاع فراهم نبود بدینجهت بدون قوت و اقت با کمال مداومت دولت برای تهیه مرتجبات دفاع مشغول اقدامات شد این بود که از طهران يك عده هزار نفری ژاندارم فرستاد شد در محل هم بایک اقدامات خیلی جدی مشغول تهیه قوای ملی شدند و تقریباً قوای آذربایجان روی هم رفته در آن موقع از نظامی و غیر نظامی شاید به هزار نفر رسید ولی حالا متجاوز از پنجهزار نفر هستند و باز هم بنده آنها افزوده میشود علاوه بر نفراتی که تهیه شده از حیث اسلحه و مهمات هم يك اقدامات مفیدی شده است و اردوئی از اینجا رفت اسلحه کافی داشت در محل هم از مأمورین معلی يك اردوئی در فراهجه داغ

در تحت ریاست امیر ارشد تشکیل شد که الان در شرفخانه میباشد و ایالت هم با آنها رفته و برای آنها اسلحه و مهمات کافی تهیه شده در طرف ماکو هم يك قوای کافی پیش بینی شده برای دفاع حدود خوی حاضر هستند و دولت کمال امیدواری را دارد و انشاءاله بزودی باین قوا که تهیه و نواقص آنها رفع شده است عنقریب غائله آن صفحات مرتفع شود و جای هیچ تکراری نخواهد بود فقط دوین این اقدامات که دولت در نظر داشت متأسفانه قضیه ساوجبلاغ واقع شد که خیلی اسباب تأسف بود و اینهم بواسطه بی احتیاطی و زیادی عده متردین بود در خصوص آن واقعه هم در آذربایجان مأمورین نظامی و ایالت مشغول تعقیبات هستند که اگر بی احتیاطی از طرف مأمورین نظامی شده باشد تعقیب شوند و مایه صوام قضیه ساوجبلاغ هم بطور خوبی عنقریب چیران شود

سلیمان میرزا - بنده هم همین امیدواری را دارم که بزودی قضیه ساوجبلاغ نرمیم شود لیکن يك نکته را بنده ملتفت نشدم آیا تهیه قوا و لوازمی را که فرمودند همان قوا و لوازماتی است که قبل از واقعه ساوجبلاغ فرستاده شده باینکه بعد از آن واقعه باز فرستاده اند این را اگر توضیح بفرمائید رفع سوه تفاهم خواهد شد .

معاون وزارت داخله - تهیه قوایی که شده است بیشتر بعد از قضیه ساوجبلاغ بوده مثلا اردوئی فراهجه داغ و امیر ارشد بیشتر عده اش بعد از واقعه ساوجبلاغ بوده است در طرف ماکو هم همین طور چون بعد از واقعه ساوجبلاغ قوای متردین مرکزیت پیدا میکرد در طرف ولایات ثلاث ارومی و خوی و سلماس باینجهت در طرف ماکو قوای زیاد تهیه شده است .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب هم سؤالی راجع بانتخابات دارند .

آقا سید یعقوب - البته آقای معاون وزارت داخله مسبوق هستند که مجلس يك جدیتی دارد که نمایندگان آذربایجان زودتر در تهران حاضر شوند و مخصوصاً در این باب کمیسیون تشکیل دادند که در آن کمیسیون بنده هم عضویت دارم آقایان سلیمان میرزا و مشیرالدوله هم در آن کمیسیون هستند در کمیسیون رای گرفته شد که دوسه انتخابات آذربایجان بر مرکز آورده شود بنده سؤالی دارم میخواستم عرض کنم که دوسه زودتر خواسته شود که عمل انتخابات آذربایجان خانه پیدا کند .

رئیس - اظهار جناب عالی بطور سؤال نبود
معاون وزارت داخله - اجازه میفرمائید توضیحاتی عرض کنم .

رئیس - بفرمائید

معاون وزارت داخله - فرستادن این دوسه که بتأخیر افتاد برای این بود که مشغول جمع آوری بودند ولی این اواخر تأکید شد و بموجب تلگرافی که از تبریز رسیده است چند روز است دوسه ها را فرستاده اند و عنقریب همین روز ها به مرکز خواهد رسید

رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی هم يك

سؤالی داشتند

شیخ الاسلام - این هم سؤالی است که بنده توسط ریاست مجلس شورای ملی کرده ام و چون شرحی در روزنامه ستاره ایران شماره ۶۳ دیشم و همان طور که در روزنامه نوشته شده بود چون راجع بوزراء بود بنده هم همان نسیم نوشته ام این است که قرائت می کنم و بعضون ذیل قرائت نمودند

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی روزنامه ستاره ایران نمره ۶۳ می نویسد وزراء حقوق یکصد نفر تکنیکی تصویب نموده اند برای راه شیراز و اصفهان و نیز در نمره ۵۶ مورخه ۲۶ محرم می نویسد هیئت وزراء عظام ماهی دوهزار تومان اضافه بر بودجه فرا سوزانی فارس تصویب نموده اند و نیز در همین شماره می نویسد ریاست وزراء عظام مقرر فرموده اند بانصد تومان فشنک جهت بزد خریداری شود چون تصویب نامه های فوق بمجلس شورای ملی نیامده است پیشنهاد می کنم از ریاست وزراء عظام سؤال شود که این تصویب نامه ها بدون مراجعه بمجلس شورای ملی چگونه بموقع اجرا گذارده شده است

شیخ الاسلام اصفهانی
معاون وزارت داخله - چون سؤالاتان از آقای رئیس الوزراء بود جواب را آقای رئیس الوزراء باید بدهند در جلسه آتیه جواب عرض می رسد

رئیس - آقای سردار معظم نماینده خراسان سؤالی راجع بانتخابات داشته

سردار معظم - سؤال بنده مختصر است با نهایت درجه علاقه مندی که بحضور و کلاه در مرکز است بنده می خواستم از معاون وزارت داخله سؤال کنم علت اینکه شروع بانتخابات خوار ورامین و همدان و سیستان و آباد و مشهد و نیشابور و ایل قشقایی و بار فروش و کرمانشاهان نشده است چیست اگر بگرمید در مشهد و نیشابور مایه تا بحال بوده نسبت ببقای دیگر که مایه نبوده و مانع این دو نقطه هم هستی است بر طرف شده و علت اینکه تا بحال از طرف دولت اعلان انتخابات در این نقاط داده نشده چیست

معاون وزارت داخله - در تمام این نقاط اعلان انتخابات داده شده است در حوزه فارس برای انتخابات جهرم است و باآباد و چند روز قبل دستور شروع بانتخابات داده شده و مطابق تلگرافاتی که اخیراً رسیده است در جهرم شروع و مأمور از طرف ایالت فارس گرفته که انتخابات قشقایی را شروع بکند و برادر هاشم هم برای انتخابات اهل قشقایی دستورهای لازم داده شده راجع بانتخابات بلوچستان هم يك مشکلائی داشته است و دستور داریم که حتی المقدور اقدام بکنند راجع بانتخابات همدان البته مسبوق هستند نظر بیک مشکلات معلی که در انتخابات پیدا شده بود يك سابقه مفصلی پیش آمده بود آن سوابق تمام مطالعه شده و بالاخره دستور بحکومت همدان داده شد که موافق قانون انتخابات . انتخابات آن جا را خانه بدهند و شاید محتاج بمأمور مخصوص هم نباشد و اگر يك مشکلات

مهم پیدا کرد اطلاع بدهند تا اگر مأمور مخصوص لازم باشد فرستاده شود . در حوزه خراسان هم مشهد و نیشابور و طبس و سیستان است برای سیستان دستور دادیم که شروع بکنند و اقدام هم کردند ولسی راجع ببقای دیگر تا اقدام کنیم و حالا شروع خواهیم کرد و دستور هم داده شده است در خصوص بار فروش مازندران هم اقدام شده ترمه هم فرستاده شده راجع بخوار ورامین هم حکومت نظامی آن جا ملای شده و دستور برای انتخابات آن جا داده شده در حوزه آذربایجان مخصوصاً تبریز عرض کردم دوسه خواسته شده برای توابع ایالت و خود دادیم که حتی المقدور سعی کنند که انتخابات آن جا زودتر شروع شود و بانجام رسد . راجع باخطار آقایان نمایندگان هم که در بعضی نقاط انتخاب شده اند و هنوز نیامده اند اگر چه دولت مشغول نیست حتماً وقتی که آنها انتخاب می شوند زود بپایند ولی مخصوصاً تلگرافات شده است که زودتر حرکت کنند

یک نفر نماینده هم اخیراً در تاتین انتخاب شده و تلگرافات انتخاب ایشان رسیده است و حاج میرزا تقیخان است که کتباً بمجلس هم اطلاع داده شده است .

سردار معظم - بسیار خوب مطابق اظهارات معاون وزارت داخله باید امیدوار بود هر چه زود تر نمایندگان که از حوزه های مزبوره انتخاب شده اند

در مرکز حاضر شوند ولی چون ایشان راجع بچهره اظهار کردند بنده تصور می کنم آنطوریکه فرمودند نشده باشد و راجع بهمان هم که نمی گفتند از طرف دولت مأمور خاصی برای نظارت فرستاده شود بنده لازم می دانم عرض کنم خوب است که دولت این قبیل مداخلات را در امر انتخابات ننماید که برخلاف قانون است و با بودن مجلس شورای ملی باید جلو گیری از جریان انتخابات ننماید دولت در امر انتخابات لازم نیست و سکنه با اساس انتخابات وارد میاورد و اسباب تأخیر می شود .

رئیس - راجع به جهرم چه فرمودید درست مسموع نشدم

سردار معظم - شنیده می شود از جهرم فتح الدوله انتخاب شده است اگر ایشطور باشد خیلی جای تأسف است

معاون - البته بموجب قانون انتخابات هر کس معرفی شود دولت نمی تواند رد کند اگر نظریاتی باشد باید خود مجلس اقدام نماید اما راجع بهمان بنده عرض کردم سابقاً مأمور مخصوص فرستاده شده بود بعد از آنکه بسوابق مراجعه شده موافق قانونی انتخابات دستور داده شد که حکومت خودش انتخابات را خانه دهد و معتقد نبودیم مأمور فرستاده شود .

فتح الدوله - چون این جا اسم فتح الدوله برده شد شاید اشتباه شود ایشان جوادخان فتح الدوله هستند و بنده فتح الله فتح الدوله هستم

رئیس - آقای آقا سید حسن کاشانی راجع بانتخابات سؤالی داشتید آقا سید حسن بنده راجع به

انتخابات آذربایجان و نیشابور کمیسیون تحقیق خواستم سؤالی بکنم آقای آقا سید یعقوب اظهار کردند و جواب هم داده شد

رئیس - اظهارات آقایان تمام شد . اگر آقایان موافق باشند جلسه را ختم می کنم و جلسه آتیه بش فردا روز پنجشنبه دوساعت بفروب دستور آن هم شور قانون درمعهاده چین خواهد بود مغالطی نیست اظهار می نمودم مجلس تقریباً یکساعت از شب گذشته ختم شد .

جلسه ۳۷
صورت مشروح مجلس
یوم پنجشنبه پانزدهم عررب ۱۳۰۰
مطابق دوم ربیع الاول ۱۳۴۰

مجلس تقریباً يك ساعت قبل ازغروب در تحت ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل گردید

صورت مجلس یوم سه شنبه ۱۳۰۰ هم مغربوا آقای تدین قرائت نمودند .

رئیس - آقای سردار معظم کردستانی (اجازه)

سردار معظم کردستانی - آقای حاج میرزا اسدالله خان در جلسه قبل بواسطه کسالت غیاب بودند با دارم مباشرت هم اطلاع دادند امروز هم همین جهت تشریف نیاورده اند .

رئیس - اصلاح می شود . دیگر اعتراض نیست؟ (اظهار می نشد)

صورت مجلس تصویب شد . دستور امروز : شود درمعهاده چین بود ولی بلا حظه اینکه مدت قانونی منقضی شده باید بماند برای روز سه شنبه (گفته شد صحیح است) دو نفر راپورت یکی از کمیسیون و یکی از شعبات اولی راجع به آقای معتمد السلطنه و آقای آقا سید کاظم رسیده است مغالطی نیست که جزء دستور باشد (گفته شد غیر) پس قرائت می شود آقای تدین راپورت کمیسیون تحقیق را راجع به آقای معتمد السلطنه

بعضون ذیل قرائت نمودند

کمیسیون تحقیق انتخابات حسب الوضیعه درمعد بود که در خصوص معرفت معلی آقای معتمد السلطنه تحقیقات معلی نماید در این اثنا تلگرافی با مضای عده کثیره از معارف طبقه مغتلفه حوزه انتخابیه مشارالیه واصل گردید دائر براینکه تلگراف شکایت آمیز سابق آنها بواسطه اختیارات مأمورین مخصوص کتل معتمد تقیخان بود و اکنون که آن اجازات بر طرف شده تلگراف مابین خود را تکذیب و اظهار اشتناستی و رضایت از انتخاب آقای معتمد السلطنه می نمایند .

کمیسیون بمساز ملاحظه تلگراف و سایر قرائن و دلائل موجوده خود را از تعقیب معلی بی نیاز و آندای معتمد السلطنه را دارای معصوبیت معلی می دانند .

رئیس - رای می گیریم به نمایندگی آقای معتمد السلطنه آقایانیکه تصویب می کنند قیام نمایند . (اکثر نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شده راپورت دیگر از

شبه ششم راجع به آقای سید کاظم میباید آقای محمد هاشم میرزا .

(احضار برای قرائت راپورت)

آقای محمد هاشم میرزا راپورت مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند

مورخه دوم شهر ربیع اول ۱۳۴۰

شبه ششم در تاریخ قرن دو ساعت قبل از ظهر منعقد بدوسیه انتخابات یزد و اهواز نامه آقای سید کاظم یزدی مراجعه نموده جریان انتخابات مزبور مطابق مداول انتخابات بعمل آمده و چون این انتخابات با انتخاب آقای حائری زاده توأم بعمل آمده است و شرح جریان آنرا شعبه پنجم در ضمن راپورت مشروح خود بمعرض مجلس رسانیده است لهذا از تکرار آن صرف نظر می نمود .

یکی دو فقره بیشتر ندادند که شبه آنرا پیرو و بیدرک می دانند بنابراین شعبه انتخاب آقای آقا سید کاظم را به نمایندگی یزد که با اکثریت ۹۱۸۲ رأی از ۱۵۱۵۹ نفر رأی دهندگان انتخاب شده است تصدیق می نمایند .

رئیس - نسبت باین راپورت مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد)

رأی می گیریم به نمایندگی آقای آقا سید کاظم آقابانیکه تصویب میکنند قیام نمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . شرحی آقای سیدالدوله نوشته شده بمجلس مفاد عریضه شان این است که راجع بمطالبات ایشان یکی از آقایان نمایندگان در ضمن مذاکرات راجع بماده واحده (در پیشنهاد آقای وزیر مالیه)

مطالبات ایشان را رد کردند و حال آنکه ایشان اسناد و شواهد متین در دست داشته و آقای مشیرالدوله و مستوفی الممالک و

حکیم الملک و خود بنده هم که جزء کابینه ایشان بودم ازوجهی که ایشان بدولت داده اند و صرف مجلس نموده اند مسبوق باشم بالاخره تقاضا کرده اند کمیسیون تشکیل و بمطالبات ایشان رسیدگی کنند عریضه ایشان بکمیسیون عریضی فرستاده شده و کمیسیون صلاح دانسته است بمعرض مجلس برسد شاهزاده سلیمان میرزا (اجازه نطق)

سلیمان میرزا - همانطور که ایشان اظهار کردند که این مطالب را اظهار کرد بنده بودم که نقل قول نمود و عرض کردم کمیسیون تطبیق حوالجات وقتی حساب ایشان را با آنجا رجوع کرده اند در تحت این عبارت که این حساب غیر مشروع است آن را رد کرد و اگر بنا شود هر ساعتی یک کمیسیون برای رسیدگی باین قبیل مطالب پیشنهاد شود دیگر ما بکارهای خود و وظائف قانونی نمی رسیم بنده بهتر می دانم یک کمیسیون برای رسیدگی تمام مطالبات و حسابهای ایام قریب تشکیل شود تا بیستم در این مدت بین دو مجلس گذشت سال است عایدات و حسابهای این مملکت چه بود و آن کمیسیون صورتی بمجلس بنده تا مجلس و تمام مردم بدانند که در این مدت شش سال چه پولهای بیحق

یا بناحق باشخاص داده شود و چه مطالباتی اشخاص حقاً یا باطلا ادعا می کنند همانطور که آقای مدرس در ضمن پروگرام فرمودند بایستی برای هر کس که طالب حقه از دولت وارد تکلیفی تمهین کرد و هر کس هم بدهی دارد البته باید بپردازد و هر اتهامی هم باشخاص گفته می شود راجع بیول است مثلاً بنا شاهزاده صارم الدوله (این دفته باسم عرض میکنم) که صد هزار تومان گرفتند و در حساب دولت هم هست حسابش قید شده بلی باید این حسابها همه رسیدگی شود بنده که یکی از کلاص ملت هستم وظیفه ام این است که مالیه مملکت را در نظر داشته باشم این مطالب را که در خارج میشنوم نمی دانم حق است یا غیره و اینکه گفته میشود یک اشخاص مالیه مملکت را حبس و بیل کرده اند صحیح است یا افراق کوئی می کنند پس اگر یک کمیسیون در نظر است بقیده بنده باید یک کمیسیون جامعی باشد که شروع رسیدگی تمام محاسبات دوره قریب کرده و هر چه هست بی پرده روی این کس خطابه بگذارد تا همه و کلاه بدانند و معاً که کنند و هر روز بنده باید یکی در ضمن نطقش یک مسئله را اشاره نکنم که موضوع گفتگو شود و بدانیم که آن کسی که پول دولت و ملت را حبس و بیل کرد کی است و آدم صحیح العمل و درستکار معلوم بشود و آن کسی که از مطالبات خود صرف نظر نکرد کی است و از او قدر دانی شده بدیگران توبیخ و سرزنش شود .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه نطق)

آقا سید یعقوب - بنده عرض کنم این عریضه که آقای سیدالدوله تقدیم مجلس کرده است و آقای رئیس مفاد آنرا بیان فرمودند اگر قرائت میشد حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا می دانستند صورتی که سیدالدوله ذکر کرده نظیر شاهزاده صارم الدوله نیست عریضه سیدالدوله با ذکر یک کلامه قبیل کمیسیون عریضی آمده و شواهد منهای خود را اشخاص بزرگی مثل آقایان مشیرالدوله و مؤمن الملک و مستوفی الممالک و حکیم الملک فرار داده است حکایت صارم الدوله غیر از این است پس عقیقه بنده و کمیسیون این است که اگر آقای رئیس اجازه بفرمایند مضمون عریضه خوانده شود تا اینکه آقایان مستحضرون سیدالدوله بگویند من بیول خرج مجلس کرده ام و قبض در دست دارم می گویند من بیول خرج کرده ام تا اردو هائی را که با آذربایجان جله شود برده بر گردانم بنده کاملاً مستحضرنستم این مسئله ایست که ملت و مجلس باید معاً که کند و مطلب معلوم شود که وقتی سید الدوله نود ساله بمجلس یک چنین چیزی می نویسد او را قیاس بصارم الدوله کردن هیچ خوبی ندارد پس اگر اجازه داده شود و عریضه را بخوانند معلوم خواهد شد که سیدالدوله در هوش صارم الدوله نخواهد بود .

رئیس - چون ایشان رئیس کمیسیون عریضی هستند و پیشنهاد می کنند عریضه قرائت بشود .

سردار معظم - اجازه می فرمائید ؟

رئیس - بعد از قرائت عریضه بفرمائید .

(آقای تدین مشروح مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

ذیل قرائت نمودند)

مقام متبوع ریاست مجلس شورای ملی دام بقاءه از فرار آمد کور در جلسه قبل مجلس شورای ملی شاهزاده سلیمان میرزا در نطق دفاعیه خود از قانون تشکیلات مالیه خصوصاً کمیسیون تطبیق حوالجات تقریباً بطور اظهار داشته اند که یکی از خدمات تطبیق حوالجات این است که یک نفر از اعضای آن چهار صد هزار تومان ادعای شخصی را از دولت بعنوان نامشروع بودن آن شخص رد نمودند لذا خواهشمند است این امر را در اولین جلسه بسمع نمایند گان محترم ملت برسانند اول کمیسیون که شاهزاده اسم می برند کمیسیون تطبیق حوالجات نبوده بلکه کمیسیون مختلط مرکب از اعضای جمیع دوائر مالیه نبوده یک نفر هم از تطبیق حوالجات بوده است و آن کمیسیون عدم صلاحیت خود را اظهار داشته رأی بدهند .

ثانیاً مدعا به ادعای صرف نبوده بلکه طالب مسلم وثابت است بنابراین مقدمه محض استحضار خاطر عموم آقابانی که از این تفصیل اطلاع ندارند جسارت می نماید آیا قبض آقای مستوفی الممالک که در کابینه بنده وزیر جنگ بودند و برای مواجب قشون تنخواه دریافت داشته اند نامشروع است آیا قبض خود حضرت اجل عالی که وزیر معارف بود از باب مواجب اجزاء نامشروع است .

آیا نوشته حکیم الملک وزیر مالیه کابینه آقای صدام السلطنه که پس از رسیدگی با ستاد طلب این را تصدیق صحت آنهارا فرمودند نامشروع است آیا این مجلس عالی که نمایندگان محترم شرف جالس داده اند و بعد از بمباردمان و انهدام مؤسسه و بانی آن این بنده بوده است نامشروع است

آقایابی مرحوم مهندس الممالک وزیر قرائت نامه برای مضارح معین بنا نامشروع است آیا رسیدگی و تصدیق خزانه داری کز خطر رئیس آن که جزء اسناد این بنده می باشد نامشروع است

بالاخره بر خاطر محترم نمایندگان ملت معلوم باشد پس از آنکه مدعیان استبداد طلب بنده را در پیشگاه شاه مغلوع بشروطه طلبی مقصر و از وزارت خارجه معزول نمودند بانیک فاصله شاه مغلوع ملغف افراض ورزی خود شده این بنده را احضار و تکلیف تشکیل کابینه فرمودند و این بنده قبول ننموده مگر بشرط اعتماد مشروطیت . اگر صدای تبریک و تهنیت تخصیص سفارت عثمانی جزء اداره چراقانی های آنشب از خاطرها معز گردیده مرکب خود بنده از این اعلانات اعاده مشروطیت که بدو دیوار این شهر چسبیده شد هنوز نشکیده است

آقایان محترم وزاری عظام که در این تهناتخانه امید ملت جلوس فرموده اند انصاف بدهید این است معنی قدر دانی و حق شناسی که پس از مدت ده سال تنخواه را که از خود و بالفرض برای مشروطیت و ایجاد صلح و نظام و احضار قشون مهاجم تبریز و آصفیه و متخخونری جرح کردم تا بحال پرداخته نشده باشد سهل است نامشروع هم قدر مردم

ها در این آخر عمر رسته زندگیم از هم گسسته و وفرض بعد بلاطلاق رسیده است اینک با انصاف و حق گذاری خصوصاً بدیانت و وظیفه نمایندگی ملت پناه نبوده خواهم می نمایم در کمیسیون خاصی که از طرف مجلس شورای ملی تشکیل بشود برایش عاجزانه این بند و سبکی و قرار عاقلی در فصول مطالباتم داده شود زیاده عرض ندارم .

رئیس - آقای سردار معظم (اجازه)

سردار معظم - بنده باین اصل کلی موافقم که هر کس از دولت طلب دارد و باید طلبش را داد و هیچ محل گفتگو نیست البته باید رسیدگی شود و هر کس طلب حق از دولت دارد داده شود تا اینکه دولت بتواند طلب خود را برگرد بیاورد بنده تصور می کنم این اصل باید اتخاذ و اجرا شود مثلاً اشکالی که برای بنده خصماً

این مورد پیدا میشود صلاحیت و عدم صلاحیت مجلس است در تعیین کمیسیون برای رسیدگی بحساب بنده تصور می کنم مجلس شورای ملی باید نهایت مساعدت را در خصوص رسیدگی بمطالبات آقای سیدالدوله بنماید ولی خود مجلس شورای ملی بوسیله کمیسیون خاصی نمی تواند باین حساب رسیدگی کند قبلاً باید بدولت رجوع کند و دولت هم تحمل و طفره نرود و این حساب را روشن نموده بمجلس شورای ملی پیشنهاد کند تا اینکه رجوع بکمیسیون بوده شده تکلیف قطعی معلوم گردد این قسمت نظر بنده است در خصوص مطالبات آقای سیدالدوله اما با اظهارانی که شاهزاده سلیمان میرزا بطور مختصر فرمودند موافقت دارم مبنی بر نظر بنده بر طبق پروگرام خودمان که طبع و منتشر شده و سبب تر است منحصراً بحساب تهنیت و شاهزاده سلیمان میرزا هم خودشان در این زمینه با ما موافق هستند که بهترین طریق بعمل آوردن همان خیالی است که در دفاع اکثریت بنده نمایندگان مستقیم اکثریت افکار عامه میباشد و آن اینست که باید مجلس شورای ملی بیک قدم جدی بطرف رسیدگی بمطالبات دوره قریب برادر و بالاخره امروز موفق شدیم علاوه بر امضاء کنندگان دیگر

شاهزاده سلیمان میرزا هم آرا پیشنهاد را امضاء فرموده که بمجلس پیشنهاد می کنم و از نمایندگان محترم تنها میکنم که در تعقیب مذاکرات فعلی این تصمیم را تعقیب کنند زیرا اشن سال دوره قریب در این مملکت طول کشیده اشخاصی روی کار آمدند که نسبت باین مملکت خدمت نگذاشته اشخاصی هم آمدند که شاید این سمت را دارا نبوده یعنی منافع مملکت را ملحوظ نداشته اند باید نسبت باشخاص مثل آقای مشیر الدوله که قبلاً آقای رئیس الوزراء بودند و مصالح مملکت را حفظ کردند اظهار حق شناسی بشود و همینطور اشخاصی را که مصالح مملکت را حفظ نکردند باید بر مردم معرفی کرد که بالاخره مردم خوب و بد را از هم تمیز بدهند و فقط غرض شخصی مبتای خوبی بدی می باشد بلکه یک پایه های مهمی برای تشخیص خوبی و بدی زمامداران دوره قریب اتخاذ و در مجلس شورای ملی معروض شود همه مردم خوب و بد را بشناسند این است عقیقه بنده و این پیشنهاد را بنام رفقای خردم

تقدیم می کنم و حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا نیز آرا امضاء فرموده اند .

رئیس - بر میگردد بموضوعی که محل بحث است آیا مجلس موافق است بدولت مراجعه شود و در تانی راپورتی که از طرف دولت میرسد بمجلس بیاید (جمعی گفتند صحیح است) و من در این خصوص گمان میکنم مذاکرات کافی نباشد .

سلیمان میرزا - اجازه میفرمائید بنده مختصر توضیحی بدهم

رئیس - بفرمائید

سلیمان میرزا - گمان می کنم آقای آقا سید یعقوب رئیس کمیسیون شاید اینطور تصور فرمودند که بنده عرض کردم رسیدگی بحساب بشود مقصود حساب بخصوص سیدالدوله است غیر بنده در این موضوع مخصوص عرضی نداشتم این یک موضوع کلی است وقتی دولت قبول کرد دیون حق خود را بدهد و آن چه هم طلب دارد بگیرد ایشان هم یکی از طلبکاران هستند و راجع بشخص سیدالدوله هم بنده نمی خواهم درست داخل موضوع شوم والا عرض می کردم که اول ایشان را باید معاً که کرد تا معلوم شود از این نسبت هائی که بایشان می دهند بری الذمه هستند یا خیر ؟ و همانطور که آقای سردار معظم فرمودند در جزء سایر چیزها رسیدگی شده و معلوم خواهد شد که سیدالدوله نوساله حقیقاً خادم است یا خرابکار امروز مجهول است ولی وقتی معلوم شود شخص خدمتگزار یا خائن است خواه نود سال خواه دویست سال داشته باشد فرق نمیکند

رئیس - گمان می کنم مذاکرات کافی باشد (گفتند کافی است) پس همین طور که گفته شد بدولت مراجعه می شود که پس از مطالعه نظریات دولت بمعرض مجلس برسد لایحه قانونی از طرف دولت پیشنهاد شده است راجع بواگذاری اراضی قراول خانه مشروطه و آنچه در گذر لوطی صالح باید بکمیسیون بودجه مراجعه شود

چندی قبل آقایان مهاجرین گیلان تقاضای کمیسیونی از مجلس نمودند کمیسیون هم معتقد شد پس از امضای تقاضای آقایان مهاجرین کمیسیون بمعرض مجلس مقدس پسرانند کمیسیون مطالب نمایندگان آقایان مهاجرین گیلان را بطریقی که در فوق عرض شده است امضاء نموده و نظریه کمیسیون نیز این است که اولیای معظم دولت تا فرستاده شدن ممکن و مقتضی باشد نسبت با امنیت صفحات گیلان و آسایش تأمین کلیه اهالی آن سامان توجهات خاص مبذول فرمایند

آقا سید یعقوب - راجع به همین موضوع است .

رئیس - راپورت قرائت میشود بعد از اظهاری دارید بفرمائید

آقای تدین راپورت مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند

کمیسیون رسیدگی برایش آقایان گیلانها چهاردهم شهر صفر در مجلس مقدس شورای ملی تشکیل اظهارات شفاهی آقایان مهاجرین بطوری است که خلاصه آن از قرار ذیل بمعرض مجلس شورای

اولاً - امنیت سرتاسر گیلان و نساود شدن ریشه فساد و دستگیر کردن اشخاصی که این مدت يك خطه از مملکت را دچار خسارات و انقلابات نموده اند بدون اینکه از طرف دولت بآنها گذشت یا تأمین داده شود

ثانیاً - تعیین و تشخیص خسارات اهالی گیلان که تقاضا دارند يك نفر از نمایندگان محترم با اتفاق مأمورین دولت در محل بروند نقاط ویران و مزارع باثیری که در نتیجه این انقلابات احوالات و ایجاد گردیده حیناً ملاحظه و معاینه نمایند که خسارات وارده بر اهالی اعم از تجارت و فلاحت و ثروت که بیشترا رفته به چه مقدار است

ثالثاً - تقاضای دارند چون تاسه ماضیه کلیه مالیات گیلان وصول شده و گیلانی ها از بابت مالیات بدهی ندارند اولیاء دولت بعد از تقبش و تحقیق از تقاضای که باین و غراب است موقتاً مالیات مطالبه نمایند تا آن نقاط رو بآبادی گذارده پس از آباد شدن مالیات معموله خود را کمائی السابق بپردازند

رابعاً - اولیای دولت برای اصرار مأمورین بمصنعات گیلان اهم از حکومت و سایر وسائل ادارات و دوائر نظریه اتخاذ فرمایند که از مأمورین صحیح العمل دستکار بی غرضی منتخب شوند که در مرتبه صنعت گیلان را دچار انقلاب و گشت و گذارهای داخلی نمایند و مخصوصاً تمنا دارند در موقع انتخاب مأمورین نظریات اهالی را هم مورد اهمیت شمارند

خامساً - ماوا می که دولت با نظرمات مصنعات گیلان کاملاً مرفقت نیافته است و آقایان مهاجرین ناچار از مهاجرت هستند اولیای دولت مساعدتی برای امور معیشت آقایان مهاجرین بطور شهریه و استقراض کمائی السابق مبذول دارند

سادساً - ماوا می که اهالی گیلان موفق بانتخاب نمایندگان خود نشده اند و بر سر کار اعزام نداشته اند این کمیسیون که فعلاً در مجلس مقدس تشکیل است برای رسیدگی اظهارات گیلانها باقی باشد که در موقع لزوم مطالب خودشان را توسط این کمیسیون بمعرض مجلس مقدس پسرانند کمیسیون مطالب نمایندگان آقایان مهاجرین گیلان را بطریقی که در فوق عرض شده است امضاء نموده و نظریه کمیسیون نیز این است که اولیای معظم دولت تا فرستاده شدن ممکن و مقتضی باشد نسبت با امنیت صفحات گیلان و آسایش تأمین کلیه اهالی آن سامان توجهات خاص مبذول فرمایند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - اولاً بنده می خواهم بدانم معبر کمیسیون دفاع می کند یا مشقی و باینکه اصلاً مدافعی ندارند ؟ (اظهاری نشد) پس معلوم میشود مدافعی نیست

رئیس - چرا حاضر هستید

سردار معظم - بنده پیشنهادی کردم که قبل از مذاکره قرائت شود

رئیس - آقای سردار معظم پیشنهاد نموده اند

آقای

قبل از مذاکره به هیئت دولت ارجاع شود (خطاب سردار معظم) توضیحی دارد؟

سردار ستارم - گمان میکنم محتاج به توضیح نباشد

آقای میرزا علی کازرونی مخبر کمسیون - اجازه بفرمایند؟

رئیس - بفرماید

آقای میرزا علی کازرونی - بنده نمی دانم مقصود این است که نظریه کمسیون به دولت اظهار شود یا اظهاراتی که از طرف مهاجرین اصفاه شده

اگر مراد این است که اظهارات آنها به دولت مراجعه شود این مطلبی است علیه کمسیون نظریه کمسیون موضوعی نیست که محتاج بیک وقت نظر مخصوص باشد مسلم

است تا هر اندازه که دولت ممکن و مقتضی باشد در نظریه حالشان مضایقه نخواهد داشت

رئیس - نه ان شاء الله سر داور معظم حالا توضیح تان را بفرماید

سردار معظم - بنده تصور می کنم که مقتضی این بود که وقتی تقاضای و هراشی اعلای کبیران به کمسیون خاص میرسد یک نفر نماینده هم از طرف دولت

بآنجا احضار میشد و با توافق نظر یک حد مشترک و یک رایورت جامعی بجنس تقدیم می شد زیرا هیچ

کمسیون و حتی به بنده بنده خود مجلس شورای ملی هم مقتضی نیست برای این قبیل مطالب یک تصمیماتی

انتخاب بکنند در صورتی که ما نمی دانیم نظریه دولت که باید مجری این تصمیمات باشد چیست حالا که

این مقدار فراموشی حاصل است بنده بعنوان تذکر این پیشنهاد را تقدیم کردم چون مقتضی بود کمسیون

که برای رسیدگی به ارباب کبیرانیها تشکیل می شود آقای رئیس الوزرا یا کفیل وزارت داخله هم حاضر

باشند و یک نماینده از طرف وزارت جنگ و یک نفر نماینده از طرف وزارت مالیه بخواهند چون مسائل

راجع به امنیت وزارت جنگ و وزارت داخله مربوط می شود مسائل ارجاع به امنیت و مساعدت آنها بوزارت مالیه

مربوط است اینها یک چیزهایی است که باید با توافق نظر دولت پیشنهاد بشود بنده تصور می کنم اگر

آقای مخبر هم بمثلطور که آقایان نمایندگن دیگر موافق هستند موافقت بفرمایند و این رایورت مراجعه

به دولت بشود و نظریه دولت معلوم خود والا بدیهی است ما با تقاضای حق آقایان مهاجرین کبیرانی

نهایت درجه مساعدت را داریم و حاضریم بآنها کمک نمائیم که امنیت در کبیران برقرار شود هم وضعیت

آنها خوب شود

میرزا علی کازرونی - آقایان البته فراموش نفرموده اند که علت استفاده از کمسیون این بود که

اولا اظهارات آقایان کبیرانیها را اصفاء بکنند و بعد کمسیون نظریات خود را ضمیمه کنند و به عرض مجلس

برسانند و ما بطوریکه از طرف مجلس مقدس مجید شده بود اظهارات آقایان کبیرانیها را اصفاء نمودیم

و نظریه خودمان را هم پیروی یک اصلی که شرح داده شده و محتاج به مراجعه به دولت نبود به عرض رساندم

حالا علاوه بر این اگر مقتضی میدانند به دولت ارجاع

بشود که به بنده که دولت چه نظریه در برقراری امنیت دارد یا اینکه به جهت تأمین آنها چه نظریه خواهد داشت

نمود البته ما هم نسبت باین مطلب مخالفت نیستیم

رئیس - ولی فقره ششم راجع به دولت نخواهد بود این مسئله را باید خود آقایان نمایندگن حل

کنند بایستی به هیئت دولت تذکر داده شد تا پس از وصول نظریه دولت در مجلس مذاکره شود

رایورتی است از طرف وزارت مالیه رسیده فرائض میشود

آقای تدین رایورت مزبور را به ضرورت ذیل فرائض نموده

پیشنهاد وزارت مالیه مورخه ۱۱ آذر ۱۳۰۰

به مجلس مقدس شورای ملی شیده انوار کانه در سینه قوی ثیل ۱۳۲۰ که کلیه مستمریات

دیوانی در کمسیون مجلس شورای ملی جرح و تعدیل شده و بوسیله کتاب چه مطبوعات چاپی بصدور نظر

عموم رسید قسمتی که ابقا و تصویب شده بود تا اواخر سینه شنگریل ۱۳۲۹ نقدی تمام و جنس عین جنس

تأدیه و پرداخت میشد در سینه سپهر ثیل ۱۳۳۰ جنس کلیه مستمریات با تصویب و نظریه اولیای معظم

دولت گدیم شلتوک از قرار خرواری پنج تومان و جو خرواری سه تومان و کاه بشرخ خرواری پنجهزار

تسمیر و ضمیمه مستمریات نقدی ارباب حقوق شده بعداً جنساً تأدیه آن بتومانی پنجهزار مقرر گردید

در سینه اوریس ۱۳۲۲ به علت نقصان مال دیوانی قضایاتی که در صندوق مالیه فراهم شد هیئت دولت

و وزارت مالیه وقت نرخ کلیه مستمریات را باستانه مستمریات دیوانی وزراء در دوم تقنینیه و وزرائی که

بعد بمقام وزارت ثانی شده حقوق خود را تمام دریافت داشته اند از پنجهزار پندویز ثیل نزل داد و بالتبقیه از همان

سینه به بعد نرخ رسمی مستمریات بمأخذ دوریال مقرر و معمول گردیده در سینه لوی ثیل ۱۳۳۴ عده کثیری

از ارباب حقوق در تحت عنوان اینکه مستمریات صوبه مجلس است و تمام باید برسند جماعتی از آنها در مسجد

سپهسالار متجمع و گروهی متوجه سفارت روس شده و در نتیجه نظریات و دادخواستی آنها بالاخره رئیس -

الوزرا و وزیر مالیه وقت نرخ مستمریات متظلمین را که شاید عده آنها به یکصد پنجاه یا دویست نفر

میرسد از دوریال به پنجهزار ترقی دهد و در همان سینه از همین قرار پرداخت و سایر مظالمین حقوق خود

را به نرخ دوریال دریافت می داشتند

در سینه ثیلان ثیل ۱۳۳۰ از نقطه نظر اینکه تجدید شکایتی از طرف ارباب حقوق نشود تصویب

نامه از هیئت وزراء عظام صادر و مقرر گردید مستمریات اشخاص که در سینه قبل حقوق خود را علاوه بر دوریال

گرفته اند در سینه ثیلان ثیل هم از همان قرار تأدیه و پرداخت گردد و در نتیجه شمع واقعه تبعیض که

بمیان آمد از سینه ثیلان ثیل به بعد در طرف مدت پنجه ساله اخیر الا ما هذا قسمت کثیری از مستمریات

ارباب حقوق که غالب آنها راجع به متظلمین و معروفین میباشد از دو نقطه نظر یکی بملاحظه اینکه اسکا

خاطر آنها فراهم شود که مشکلاتی برای دولت و مملکت تولید نمایند و دیگر بملاحظه اینکه

آبام و اسلاف صاحبان حقوق یا خود آنها سالها مشغول خدمت دولت بوده و رعایت حال آنها لازم بود بوسیله

تصویب نامه و احکام رئیس الوزرا و وزراء مالیه وقت متدرجاً از دوریال پنجهزار و یک تومان ترقی داده شد

(بعلاوه همه ساله تصویب نامه مخصوصاً راجع باین قسمت در تحت عنوان اینکه اشخاصی که در سینه قبل حقوق خود

را به نرخ گذشته گرفته اند در هذا سینه هم داده شود صادر و موقع اجراء گذارده شد) ولی بقیه مستمریات که

دارای این قبیل احکام و تصویب نامه ها نبودند همان مأخذ دوریال مجراء و معمول بوده است

اکنون برای تذکر خاطر هیئت محترمه مقتضی راجع بیهضی از مستمریات علاوه بر دوریال که فعلاً تصدیق

اوراق در خواست آن در کمسیون تطبیق و موافقات مورد تأمل واقع شده ازوما تشریح و توضیح مینماید

اولاً قسمتی از آقایان ارباب حقوق هستند که موجب تصویب نامه های هیئت وزراء عظام مقررات

مستمری شخصی خود را علاوه بر حقوق استخدام یا بعنوان اینکه حقوق مأموریت آنها مکفی نیست تواناً تأدیه و پرداخت شود

ثانیاً قسمتی هستند که با داشتن شهریه و یا شهریه و حقوق خدمت و یا فقط با داشتن حقوق خدمت چون

نی توانستند از حقوق شخصی خود استفاده نمایند مستمری دیوانی خود را در تحت عنوان برقراری در حق

اولاد و با سهم مخارج تحصیل بشرخ تومانی دریافت می دارند و همچنین قسمت دیگر هستند که بدون این که

خدمتی داشته باشند مستمری خود را در تحت عنوان مخارج تحصیل اولاد تمام و بدون کسر دریافت میدارند

ثالثاً قسمتی از ارباب حقوق هستند که بعد از فوت آنها هیئت وزراء عظام از نقطه نظر مقتضیات و مصالح

مملکتی یا بر رعایت خدمات شخصی متوفی یا صرفاً بر رعایت بازماندگان متوفی و متوفاه بدون رعایت و اعمال قانون

وظائف موضوعه از مجلس شورای ملی حقوق متوفی یا متوفاه یا تمام در حق ورثه قانونی یا غیر قانونی آنها

برقرار و تأدیه آنرا بطور شهریه یا غیر شهریه تومانی تومان تصویب کرده اند

و این قسمت دیگر هستند که در تصویب نامه های صادره از هیئت وزراء عظام مطرح است مستمری فلان

شخص ضبط دولت شده و در عرض معادل حقوق و بلکه با اضافه مبلغ دیگر بطور شهریه داده شود

خامساً قسمتی از مستمری و شهریه دیگر هستند که در برابر سلطنتی مستخدم بوده یکجا حقوق درباری و

یکجا شهریه مستمری خود را بشرخ قانونی تومان و پنج هزار یا دوریال دریافت می دارند و در این قسمت از

نقطه نظر این که مستخدمین درباری را نوکر شخصی سلطنت فرض نموده اند بطور کلی تصمیمی اتخاذ نشده

و بلکه در این سنوات بطور تبعیض آنها معمول و رفتار شده است

سادساً - قسمت دیگر از معتمدین مدارس سیاسی و نظامی و مدرسه های جدید التاسیس دولتی هستند که

یکی از حقوق ریاست و نظامی و معملی استفاده نمود و

یکجا شهریه و مستمری خود را در صورت داشتن تصویب نامه از قرار تومانی تومان و یا عدم تصویب نامه و

احکام بمأخذ دوریال دریافت میدارند

سابعاً - قسمت دیگر از آقایان و کلاهی مجلس شورای ملی می باشند که دارای شهریه و مستمری دیوانی

و پس از افتتاح و رسمی شدن مجلس شورای ملی پرداخت حقوق آنها محل باقی واقع شده است باین معنی که

بعضی از آقایان و کلاهی از اصل مالیات دارای مبله شهریه بوده و بعضی از آنها از مجلس مستمری خود که

آنهم قسمتی مآدله با مستمری دیوانی نموده و بعضی با اضافه مستمری شهریه برای آنها تصویب و برقرار

میشد که فعلاً در حال بی تکلیفی باقی است که آیا با داشتن حقوق و کالت می توانند شهریه با مستمری

دیوانی خود را تمام با نرخ معمول دریافت دارند یا خیر

ثامناً - علاوه بر قسمتهای فوق الذکر راجع به مستمریات دیوانی و شهریه بیکباره بوده و دیگر راجع به مخارجی است

فقرت مجلس شورای ملی از جمله ای اضافات جمع مالیات مستقیم و غیر مستقیم برای مدارس و ولایات و مدرسه

نظامی و غیره تصویب و تخصیص یافته است و چون در حدود قانون اساسی اساساً وضع مالیات جدید از

مختصات مجلس شورای ملی است اوراق مخارج آن فعلاً در کمسیون تطبیق تصدیق نشده محل باقی است

و این است که با عرض این پیشنهاد حل این مقصلات را موصول بنظریه و تصویب هیئت محترمه تقنینیه

شورای ملی دانسته با استثنای قسمت مهم از پیشنهاد مورخه که راجع بو کلاهی مجلس شورای ملی است و تا

کنون از طرف هیئت معظم دولت تصویب و مستمری برای وزارت مالیه رسیده است در فقرات دیگر که

دارای سوابق و تصویب نامه بوده و در فقرت مجلس شورای ملی مدلی نبوده است برای اینکه وزارت مالیه

چهار بعضی معظورات و مشکلات نشود که امکان عدلی و لازم الاجرا خواهد داشت هر موقع و هر زمانی که نسبت

به ریاست از فقرات معروضه از مجلس شورای ملی جواب رسیده از همان تاریخ تصمیم و تصویب هیئت محترمه

مقتنه را بموقع اجراء خواهد گذاشت

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه نظر)

سلیمان میرزا - آنچه را که بنده میخواستم یک ورقش بدست آمد این اولین رایورتی است که

بمجلس می آید و یک مختصری از اوضاع مالیه را با نشان میدهد و ما می فهمد که اصلاح مالیه از چه

راه است و آن ترتیباتی که ما را بفلک انتفاع و آن خراب کاریهایی که در مالیه هست بواسطه عرض کردن

اسامی اصلاح نمی شود و این خیلی خوب رایورتی است و همانطور که تقاضا فرموده اند یک رایورت

تاریخی است و باید طبع و توزیع شده همه کس نگاهدارد و بنده باین جهت باماده واحد مغالط نبودم

که با وجود آن قوانینی که در مجلس وضع شده و هیچ اختیار مطلق بوزیر داده نشده ملاحظه بفرمایند

بر خلاف قوانین و قانون وظایف چقدر تصویب نامه صادر شده پس وقتی قانون از میان برود و در مقابل اختیارات داده شود چه خواهد شد در هر حال آنچه

بیشتر در این دایره درخشان واضح است این است که هر کس زور و نفوذ داشته بیشتر برای خودش

تول جمع کرده برای اینکه جزء هم تابع کل است اگر نزدیک شخص پولی پیدا شد باید از فقراء هم

گرفته شود در سینه مایه های او افزوده شود آنوقت فلسفه که قائل می شوند که باین اشخاص تومانی یک

تومان بدهند این است که اینها متنفذین مملکت بودند و باید تومانی بکوتومان بآنها داده شود ولی آن

بدبختیها که فحراً پنج تومان یا ده تومان حقوق داشته اند چون فریاد رس نباشند از طرف توجه نموده

و چون فریاد رس ندارند باید یک مشت هم برشان زد و گفت بسیارین تومانی تومان می دهیم و بتو تومانی

دو ریال که نتوانی نفس بکشی و از گرسنگی بمیری که تومانی دو ریال را هم نگیری این است فلسفه

که حقوق جماعت را حفظ کرده در حالتی که اگر وظایف را تحت حساب می آورند شاید موجب تمام

فقراء و حفظ تماش با اندازه موجب سه چهار نفر از اغنیاء نشود آن بدبختان را در کمال سختی و فشار

گذاشته بآنها تومانی دو ریال می دهند اما اشخاص دیگری که همه جا اسم برده می شود باید تومانی تومان

بگیرند کم کم دارد این سابقه بقدری زیاد میشود که بو کلاهی هم خبر می دهد که شما هم که وکیل هستید

هم آن شهریه را داشت هم حقوق و کالت و دریافت دارند در صورتیکه گمان نمیکند یک نفر وکیل باشد

که باین امر راضی بشود و حاضر باشد یک تعمیلی بر این مالیه فقیر بشود و درجا حقوق بگیرد در صورتی

که اگر بودجه بمجلس بیاید خواهیم دید خیلی اشخاص هستند با داشتن تمام دارائی که بتوانند بخوبی

خودشان را اداره کنند چه حقوقی بگیرند یا نه عقیده ام این است که اینطور اشخاص بدون استثناء باید حقوقشان

را قلم گرفت و آن کسی که میلیون میلیون دارد دوازده هزار تومان هم تصویب نامه صادر میکنند که چون

از آن میلیون ها که دارد نباید کسر شود و یک میلیون دیگر اضافه شود بکلی باید حقوقش قطع شود

بدبختانه تمام کارهایی که شده و خلاف قانون است اگر بنده یکی یکی بشمارم تمام بصره اغنیاء و ضرر معافی

بدبخت بوده مثلاً در موقع پرداختن مالیات اغنیاء بطور حساب از قبیل آفت زدگی تخفیف و حساب سازی و غیره درست

می کنند که از تأدیه مالیات فرار کنند و باید رعیت بدبخت فلک زده که هیچ ندارد گاوش را بفروشد یا بلبه

بنده چرا ؟ برای اینکه بیچاره زور ندارد چون نمی تواند یک عریضه بنویسد و واسطه ندارد که تخفیف

بگیرد آنوقت باید از رعیت بدبخت بفشار مالیات را گرفت اگر شد حق مأموریت هم از آنها گرفت و

همچنین اگر یک عده از این مردم بدبخت خورده یا بالغرض یک خدمتی کردند و یک حقوق نقضی گرفتند

و زحمتی کشیده اند باید بآنها حقوق تومانی دوریال داد و بآن اشخاصی که دربارک هستند تومانی یک تومان

داده و علاوه یک بولهای هم با سامی مختلفه با سامی اینکه مواجش کفایت نمی کنند یا با سامی اینکه اطفالش را

باید بمدرسه بفرستد بآنها بدهند و مالیه مملکت را باین روز برسانند اینها هستند که اسباب مایه ششصد

هزار تومان کسر برای مالیه بدبخت این مملکت شده اند و همین اشخاص هستند که آن تصویب نامه ها بصره آنها

صادر شده که در وقت پرداختن مالیات از مالیات دادن فرامی کنند و در وقت استفاده از این ملت فقیر خواهند

تا نفس آخرین ملت را بدوشند و دارائی او را بر نهند و بنده این تصویب نامه ها را که باین ترتیب صادر شده

تمام را برخلاف صرفه ملت می دانم و پیشنهاد می کنم که اگر آقایان باین موافقت کنند و یک دفعه رأی

بدهند که تمام این تصویب نامه ها باطل است و تمام اشخاصی که این بولها را گرفته اند باید مجدداً از آنها

مسترد شود و بخرج و اقامت ملت برسد و این سابقه بد از میان برود که اگر یک وقتی مجلس نیست باین سابقه ها

و این تصویب نامه ها نتوانند مالیه مملکت را بشو و چاول کنند هیچ از دوری چنگیز خانی هم اینطور بفکاری در

مالیه مملکت نکرده بنابراین چون این ترتیبات بر ضرر تمام مردم یعنی اشخاص مالیات بنده است و مضاف

دولت هم امروز خیلی کسر دارد باید این بولها بمصارف دولت برسد زیرا یکی از مایه های می تواند بکفایتی

کسری ها را ترمیم کند همین محل است پس باید یک مرتبه برد این تصویب نامه از برای داد که دیگر یک

خرجهای یک نرض های تازه پیدا نکنیم و این آقایان هم همین تصویب نامه ها را بکسران و بکسران و بکسران

مفصلی درست کنند و بگویند فلان اشخاص فلان بوده و فلان قدر خسارت وارد آمده و فلان قدر مخارج فلان کرده ام و حالا یک میلیون تومان هم از این ملت

بدبخت طلب دارم اولاً راه این خرج ها و تعصیلات غیر قانونی گرفته شود و ثانیاً آنچه در این شش سال

بواسطه این تصویب نامه ها گرفته اند پس بدهند بنا بر این بنده پیشنهاد میکنم که مایه رأی که بقیه بنده

بهترین رأیها است و بر صرفه افراد واقعی ملت یعنی فقراء و ضعیفاً است این تصویب نامه ها را نسخ کنیم و

بگوئیم چون تمام این تصویب نامه ها غلط بوده و حق ملت را بیجهت مصرف کرده اند و دارای این حق

و صلاحیت نه بودند برودند و بهر کس داده اند پس بگویند

رئیس - آقای مستشار السلطنه (اجازه

نظر)

مستشار السلطنه - بنده حاضر شده بودم در موقعی که بحث در ماده واحد میشد عریضی بکنم

ولی متأسفانه موقع بدست نیاردم بلی در آن موقع یکی از دلائلی که طرفداران آقای تشکیلات مالیه که

خود بنده یکی از آن اشخاص بودم) اقامه مینمودند این بود که در خزانه و بیت المال ملت حریق موجود

است و هیچ حریق و آتش سوزی این اندازه دامنه دار و باین درجه ملت سوز نمیشود طرفداران عدم

الفانی تشکیلات مالیه می گفتند این حریق به همین حال باقی باشد تا ما برویم آلات و ادوات اطفائی که در اروپا

برای خاموش کردن این آتش تهیه شده بیاوریم و من گفتم این حریق و این آتش سوزانی که ملت و

دولت و استقلال و هستی ما را بباد فناء داده بایستی همین امروز بدست هر کسی باشد و بدست همین

ایرانی (ده باز میگویم ایرانی) یعنی با همین ادوات

افغانیه که حالیه در دست ماست خاموش شود و ناآمدن
مستشار صبر نکنیم. آقای شیرالدوله یعنی کمانسور
دیوانکاره ایران گفتند در خزانه ملت منفعت است و حتماً
این منفعتها بایستی مسود شود و بهترین دلیل برای
وجود منفعت در منابع دولت بیت‌المال مسلمین و بهترین
دلیل برای اینکه این مالیه بادست رنج مردم به صراف
خودش نمی‌رسد همین لایحه وزارت مالیه است که
امروز از نظر آقایان گذشت. اینکه حضرت والا
شاهزاده سلیمان میرزا فرمایند (فایده مقام تشکیلات
مالیه را در آنجا خواهیم دید چه خواهد بود) بنده
عرض میکنم قانون تشکیلات در حکم نسخه طبیب است
طبیب آن ما و کلاه عسکر و آن نسخه را هم در دوره
های سابق برادرهای ما داده‌اند حاله‌مان اطباء تغییر
نسخه میدهند تغییر نسخه وظیفه طبیب است این
تشکیلاتی که مالیه مسئول آن است را رسانده که امروز
یعنی فرض نمیکردیم اداره حیات ما را از این
فنانی تشکیلات است و البته فعلاً حلقه‌ها را از این
اطباء برای تغییر دادن نسخه موجود نیست اما راجع
باین لایحه که آقای وزیر مالیه تذکر داده‌اند گمان
میکند یکی از هزاران تذکره که از بسیار خرابکارهای
وزارت مالیه باشد بنده اطلاعات عمیق دارم در هر کرام
دولت در موقعی که در تقییل مخارج مذاکره میشد
میسوایم هرگز بکنم پیشنهاد موقعی بدست نیامد
باشد اشغالی را می‌خاستم (آر شاید در این لایحه
اسم نه شده است) که با سامی مختلفه از مالیه این
ملکات حقوق سپرد خودش والی است در ملک ملک
بی حساسی مشغول میگردد این است حقوقش به مقابل
تصویب مجلس شورای ملی است حقوق دیگرش باسم
سوار ایالتی و قماربانی و حساب سر شماری و خانواری
و حقوق دیگری بعنوان خرج تحصیل اولادش در اروپا
و الاخره باسم مستیری و یا باسم مخارج خانواده و سامی
مختلفه از دولت حقوق بگیرد این یکی از مطالبی
است که در این لایحه تذکر داده شده بنابر این بنده
با پیشنهاد حضرت والا موافق ناموقی که این لایحه
چون قانونی پیدا کند و در کمیسیون بودجه رفته
طبیح و توزیع شود نباید انتظار بکشیم بنده از همین
امروز جلو گیری از اسراف کاری وزارت مالیه را لازم
میدانم و اما اینکه بنده در موقع قرائت لایحه گفتم
(صحیح است) شاید گفته شود بنده ملتفت نبودم و
این گفته را در فریض موقع استعمال کردم غیر بایده دانست
که بنده این گفته را بوزیر مالیه گفتم و مقصود این
بود که بایستی وزیر مالیه از دقیقه اول از این مخارج
جلو گیری کند و البته این لایحه مورد توجه اولیای
مجلس شورای ملی خواهد بود در خانه برای اینکه
تقدیر کردیم از اقدامات آقای وزیر مالیه عرض می‌کنم
قدما و را که پس از گرفتن اختیارات در تحت ماده واحده
برداشتند عملاً اثبات میکنند که همه‌های اصلاح طلبانه
در روی ترمیم و اصلاح خرابکارهای وزارت مالیه بر
خواهند داشت

سلیمان میرزا - بنده می‌خواهم توضیحی
عرض کنم.

رئیس - توضیح حقیقی هست؟

سلیمان میرزا - بنده می‌خواهم توضیحی
عرض کنم.

رئیس - بفرمائید

سلیمان میرزا - آقای مستشار السلطنه کاملاً
باینده موافق هستند فقط گویا در هراض بنده وقت
نفرموده‌اند باینده اشتباه کردم یا ایشان درست استماع
نفرموده بودند بنده ایشان هر دو خرابکارهای وزارت
مالیه را از مسود این تصویب نامه‌ها میدانم بنده عرض
میکردم این تصویب نامه ما است که مالیه را باین
خرابی رسانیده ایشان تصور فرمودند بنده تشکیلات
مالیه را تنقید نموده‌ام غیر این تشکیلات نیست که
مالیه را باین روز رسیده هیچ وقت در قانون تشکیلات
رای داده نشده هزارها تومان بی‌بختند بلکه تصویب
نامه‌ها است که ما را محتاج نموده ایشان این طور
تصور فرموده‌اند که بنده در سابق باحالی تشکیلات را
با تصویب نامه‌ها اشتباه کرده‌ام. خبر مقصود تصویب
نامه‌ها بود و باز هم عرض میکنم قانون تشکیلات خوب
قانونی است و اگر جزئی نواقصی دارد باید اصلاح
و تکمیل شود يك اشتباه دیگر هم فرموده‌اند و آن
راجع باختیارات وزیر مالیه است و باید داشت هنوز
اختیارات بوزیر مالیه داده نشده شورای آن ماده تمام
شده ولی مطابق قانون هنوز آقای وزیر صاحب اختیار
نشده‌اند

رئیس - آقای سردار معظم (اجازه نطق)
سردار معظم - بنده چون هر وقت حقوق

شخصی نداشته و ندارم و هیچ تصویب نامه هم برای
بنده صادر نشده و شرکت در مسود آن هم
نداشته‌ام لذا عقاید خود را آزادانه عرض می‌کنم
زیرا البته حمل بر منافع شخصی نخواهد شد
بنده متأسفانه هم با لایحه وزیر مالیه
مغالطه و هم با پیشنهاد حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا
بلی شاید اکثریت شهریه بگیرها آنها را که حق السکوت
گرفته‌ام می‌گیرند مستحق نباشند بنده هم موافقم لکن
نباید فراموش کرد که در میان همین مستیری بگیرها
با اسامی بزرگ اشخاص هستند که خیلی فقیر و
بی بضاعت هستند و باید از آنها نگاهداری شود و از
تغذیه نظریه پرستی و حفظ آنها است که هیئت دولت
در باره آنها شهریه برقرار نمود ولی در همین حال
خود بنده معتقدم که خزانه ملت دارالمرجه نیست مردم
باید پروتکتار کنند و معاش خود را تأمین نمایند و ادام
که این اصل در مملکت مجروح نشود که نباید نظرنامه
بطرف خزانه و دارالدولتی باشد این مملکت اداره
نخواهد شد و بطرف اصلاحات نخواهد رفت ولی
باوجود این تفاسیل و حتی ما قائل ندیم بهر نیتی که
باشد در این مملکت يك دوره قدرت شش ساله تولید شده
(ومن حالا نمی‌خواهم داخل درهل آن شده باشم)
باید يك مطلب دیگری را هم ضمناً قائل شویم و
آن این است که البته زندگانی يك ملت را نمی‌شود
شش سال توقیف کرد زندگانی ما محتاج بقانون است
وقتی قانون گذار موجود نباشد قهراً باید تصویب نامه
گذار وجود داشته باشد این مسئله طبیبی است حکم
زندگانی اجتماعی را نمیشود جلو گیری کرد پس وقتی
حکم ما باین اصل همراه باشیم و بخوایم اختیار

حکومت‌های مختلفه را در ایجاد حربها و وسائل مختلفه
برای تأمین حساب خودشان رد نمائیم باید يك اصل
کلی را ثابت کنیم ولی نباید اسراف بقدرت منجر بقیام
و نفوذ و رأی کنیم ما باید در این جا با صدای بلند
بگوئیم که برای مایه‌ها مقیاس هر دولتی قانون است
و تصویب نامه‌های مختلفه که شاید در زمان خودشان موقتاً
مجرا بوده‌اند یعنی در همان دوره حیات خودشان يك
اعتبارانی داشته‌اند امروز که مجلس شورای ملی مفتوح
است قدرت قانون را ندارند و مقیاس زندگانی اجتماعی
ما باید قانون باشد و مخصوصاً مسائل راجعه بمالیه از
وظایف مجلس شورای ملی است و در تحت نظارت خاص
اوست تصویب نامه دیگر بکار نمی‌خورد قانون اساسی
بما حکم می‌کند که بگوئیم هراض و مالیات‌هایی که بر
وفق قانون وضع نشده ما آنها را نمی‌توانیم قبول
کنیم ولی موقتاً ممکن است متعریش نشویم و اظهار می‌کنیم
این عمل نامشروع است و متعری کنیم تا دولت فرصت
پیشنهاد داشته باشد ولی اساساً می‌گوئیم هر نوع مالیاتی
بر دوش ایرانی تحمیل شود و برخلاف قانون باشد
یعنی تصویب مجلس شورای ملی نرسد نامشروع است
پس با معجزه‌نویان این اصل من صلاح نمی‌دانم و يك
قیام و نفوذ تصویب نامه‌ها را باید بانه تصویب کنیم من
اصلاً این لایحه وزیر را رد می‌کنم برای اینکه اصلاحات
نمی‌تواند قوه اجراییه قوه مقننه اشعار کند که فلان کار
در جریان خواهد بود یا در آنجا شما يك تصویب نامه راجع
بآن اتخاذ کنید بنده این حق را برای قوه اجراییه قائل
نیستم و بعقیده من دولت حق گرفتن يك چنین مراسله
را ندارد زیرا اگر قائل شویم که دولت باید يك وزیر
حق نوشتن يك چنین مراسله را دارد پس در این صورت
مسئولیت چه میشود وزیر بر طبق مسئولیتی که دارد باید
بحدودش زحمت بدهد برود تصویب نامه‌ها را بخواند
اسامی شهریه بگیرها را دقت کند در استحقاق و عدم
استحقاق آنها مطالعه کند و نیز بخودش زحمت دهد که
هراض و مالیات‌هایی که در دوره قدرت برقرار شده و
در باب تصویب نامه‌هایی که ادوار مختلفه مسود شده‌اند
نباید در لایحه پیشنهاد خود را اظهار عقیده کند چون
این اصل تا بحال در این مملکت مجروح نبوده تمام افراد
از قبول مسئولیت طفره زنند در صورتیکه باید هر کسی
که کاری کند علناً مسئولیت آنرا قبول نماید و باید هر
وزیری شایسته‌های خود را زیر بار مسئولیت بدهد بنابر این
باید این لایحه بوزیر مالیه مسترد و از ایشان درخواست
شود لایحه جامع‌تری باین نظریات خودشان بمجلس
شورای ملی تقدیم دارند پس از رسیدن آن لایحه
آنوقت مجلس می‌تواند آنرا بکمیسیون مربوطه یا
کمیسیون بودجه رجوع نماید و بعد بر طبق رای کمیسیون
رای دهد مادام که این مقدمات طی نشده این لایحه
ناقص است و بعنوان اظهار عجز نوشته شده و هیچ دولتی
در این موارد حق اظهار عجز بمجلس را ندارد این بود
علت اختلاف نظر من با پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا
و تصور می‌کنم بهتر راه این باشد که از طرف مجلس
شورای ملی این لایحه برای تکمیل بوزارت مالیه
مسترد شود

رئیس - اگر پیشنهادی دارید بفرستید والا
باید بروی کمیسیون بودجه گمان می‌کنم مذاکرات

در این موضوع هم کافی باشد.

مستشار السلطنه - بنده يك توضیح
مختصری داشتم.

رئیس - بفرمائید.

مستشار السلطنه - بنده باز هراض خودم
را تعقیب می‌کنم که تشکیلات مالیه بد بود و ما باید
معتقد باین باشیم که بطور کلی تکامل ادارات خود را
در تحت قانون در آوریم والا قانون اگر حفظ کتاب
باشد کتب قانون در اروپا خیلی است ممکن است آنها
را از نظر مجلس شورای ملی گذرانیده و تقدس بشماریم
پس وقتی قانون خوب است که اجرا شده باشد
و بدون عیب باشد آن وقت می‌توانیم او را قانون
بگوئیم.

رئیس - آقای سردار معظم پیشنهادی فرستاده‌اند
قرائت می‌شود.

(آقای تدین پیشنهاد را بمضمون
ذیل قرائت نمودند)

بنده پیشنهاد میکنم که لایحه وزارت مالیه به
وزارت مالیه عودت داده شود که مندرجات لایحه منور
در تحت مواد همین با اظهار عقیده بمجلس شورای
ملی پیشنهاد نماید.

سردار معظم

رئیس - این پیشنهاد دوباره قرائت می‌شود
برای آنکه آقایان بیکه غالب بودند ملتفت بشوند
مجدداً قرائت شد

رئیس - آقای آقا سید فاضل راجع باین مطلب
فرمایش دارید؟

آقا سید فاضل - بلی بنده مخالف این
پیشنهاد هستم.

رئیس - بفرمائید

آقا سید فاضل - خوشبختانه این لایحه وزارت
مالیه شمه از حب و میل های وزارت مالیه را مرقوم
داشته و تفصیلاً مذاکره شده است و این لایحه قانونی
بسیار خوبی است بهجت اینکه وزارت مالیه نمیتواند
داخل در اشخاص و عزم بشود در لایحه خود در
بازرده فقره حقوقی که از خزانه دولت داده میشود
در تحت چند ماده عنوان کرده و شاید تحت ماده
اول بیست نفر و ماده دوم سی نفر و ماده سوم چهل
نفر حقوق می‌گیرند و وزارت مالیه نمیتواند يك افراد
هزار نفری یا دوهزار نفری که در تحت این عنوان
حقوق می‌گیرند باسم زند و عمر ذکر کند قطعاً نمیتواند
حقوق بیکه بعنوان مختلفه داده می‌شود بطور کلی
جمع آوری نماید همینطور که زحمت کشیده و جمع
آوری کرده عقیده خودش را هم در مواد مختلفه
ذکر کرده بعضی جاها اظهار عقیده نموده و بعضی
جاها تأمل کرده لازم نیست وزارت مالیه حتماً تمام
مواد پیشنهاد عقیده مثبت داشته باشد ممکن است
عقیده بيطرفی داشته باشد و یا عقیده دارد که نمیتواند
اثبات یابنی بکنند لهذا عرض می‌کنم که این لایحه
وزارت مالیه کاملاً حقه چون دارای يك عنوان دهه یا
بازرده گانه است که مشمول عناصری است که از خزانه
دولت یا باستحقاق یا بخدم استحقاق و یا به تنفیذ

مبانی می‌برند بیش افتاده‌اند و با قراءه بپاره که عقب
افتاده‌اند و تومانی دوربال می‌گیرند بنابر این بعقیده
من این لایحه باید بکمیسیون بودجه برود نهایت این
است که آنچه قانون مصوبه بمجلس در وزارت مالیه
موجود است باید اجرا شود در آنچه نیست و کمیسیون
بودجه بر عریض رسانده تا تکلیف معلوم شود
بنده کمال موافقت را باین لایحه دارم و با پیشنهاد
آقای سردار معظم ضد و مخالف هستم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده باین قسمت از
فرمایشات آقای آقا سید فاضل که وزارت مالیه نباید
اظهار عقیده کند موافق نیستم زیرا مجلس همیشه
باید در اطراف عقیده و پیشنهاد وزیر داخل مذاکره
شود تا خود وزیر يك تصمیمی اتخاذ بکنند مجلس
نمی‌تواند داخل مذاکرات بشود و نمی‌تواند بکمیسیون
بودجه بفرستد و پیشنهاد آقای سردار معظم خیلی لازم
است چون این لایحه يك رایورتی است که از طرف
وزارت مالیه داده شد و شمه‌ایست از بسیار و یکی
است از هزار خرابی‌هایی که دولت های وقت در دوره
قدرت بواسطه بیش آمده‌ها و اجبارهای بیکه داشته‌اند
نموده‌اند و هر کس در آن موقع داخل در يك سلسله
کارهای دولتی بوده البته محدود است دولت را در
آن وقت شاید تصدیق بکنند که بیکه مشکلات گرفتار
نموده‌اند و باین جهت این پیش آمد های ناگوار
پیش آمده است و لکن بنده فقط نظرم این است که
بوزارت مالیه نوشته شود عقاید خودش را در اطراف
این تصویب نامه‌هایی که باین طول و عرض در تحت
مواد مختلفه نوشته شده بمجلس پیشنهاد می‌کنند که
کمیسیون مجلس در اطراف آن عقیده مذاکره کند

و فرستادن این لایحه لزومی ندارد

آقا سید فاضل - بنده توضیح دارم

رئیس - بفرمائید

آقا سید فاضل - بنده عرض کردم که
وزارت مالیه نباید اظهار عقیده بکنند
عرض کردم این رایورتی وزارت مالیه را
می‌شود گفت که تقریباً لایحه قانونی خوبی است و
این تأمل ها را بنده عقیده ندارم در غالب مواد وزیر
مالیه جایی که عقیده ثابت دارد اظهار کرده است
نسبت به آنجاها بیکه عقیده نداشته داده شود اظهار
کرده است تصویب نامه صادر شده و در واقع عقیده
نداشتن خود را فهمانده است. باید دقت کرد تا معلوم
شود که وزیر مالیه اظهار عقیده کرده است و به چوقه
بنده نگفتم وزیر مالیه نباید اظهار عقیده بکنند

سردار معظم - اگر آقای آقا سید فاضل
می‌فرمودند (لایحه قانونی است) بنده بعضی هراض
داشتم ولی چون ایشان فرمودند تقریباً لایحه قانونی
است و بنده نمی‌دانم لایحه قانونی تقریبی چه عنوانی
دارد باین جهت در این قسمت عرض نمی‌کنم فقط
منظور مختصر خدمت‌شان عرض می‌کنم اینکه فرمودند
وزارت مالیه نباید داخل در اشخاص شود مفهوم مخالفش
این است که مجلس باید داخل اشخاص بشود در صورتی
که برعکس است و وزارت مالیه باید اول جزئیات
عمل بشود نه مجلس شورای ملی و مجلس شورای ملی

باید يك اصولی اتخاذ کنند و آن اصول همان توضیحی
نمود که تمام ماها گفتیم شاید داده سلیمان میرزا از
طرف خودشان فرمودند بنده از طرف خودم بوسایرین
از طرف خودشان و گفتیم کلیه مدرک امور ما
قانون است و تصویب نامه‌ها اعتبار نمیدهند و مشروع
نمی‌دانیم ولی باید وزارت مالیه مهلت وقت مطالعه
داشته باشد باز هم با صدای بلند این دواصل را باین جا
اعلام می‌کنم که وزیر مالیه با مراعات این دواصل باید
قبول زحمت فرموده بروند تصویب نامه‌ها را ملاحظه
کنند آنچه را خودشان عقیده دارند حذف کنند چون
قانون بایشان امر نمی‌کند حذف نکنند و آنچه را عقیده
دارند برقرار باشد باید پیشنهاد بکنند بگویند من
وزیر مالیه هستم صلاح نمی‌دانم فلان شهریه برقرار
باشد و فلان حذف شود آنوقت است که مجلس میتواند
بکمیسیون بودجه رجوع کند و در این باب نظریه
اتخاذ کند والا بنده خجالت نمی‌کنم از این که به
گویم این طفره از مسئولیت است چرا باید این
همه بار تحمیل بر دوش مجلس بشود

تمام وقت خواهرهای طهران بگویند اتخاذ این اصل
از طرف مجلس بوده باین ملاحظه بود که بنده آن
پیشنهاد را کردم و بنظر آقای حاج شیخ اسدالله هم
مخالف نیستم و نمی‌گویم عین این لایحه وزارت
مالیه فرستاده شود غیر ممکن است لایحه را در دفتر
مجلس ضبط کنند ولی عین مذاکراتی را که در مجلس
شد از طرف هیئت رئیسه بوزارت مالیه اطلاع بدهند
که این اظهار عجز شما ناقص است و نمی‌تواند مورد
شور مجلس واقع شود و باید شما در روی این
اصول نظریات خودتان را هر چه زودتر بمجلس
بفرستید.

رئیس - پس پیشنهاد آقای سردار معظم این
است که این لایحه اینجا بماند و بوزارت مالیه نوشته
شود برای اینکه ترتیب‌تری باین لایحه شما داده
شود باید نظریات خودتان را اعلام دارید گفته شد
(صحیح است)

سلیمان میرزا - يك قسمتی که ما را واداشته
است در این مطلب مذاکره کنیم این است که يك مسئله
رعایت نشده و آن این است که وزراء و معاونین‌شان هر
وقت در مجلس مذاکره می‌شود باید خودشان و یا
معاونین آنها در مجلس حضور داشته باشند که ما بقدر
گرفتار مذاکرات طولانی نشویم اگر حاضر نبودند
عقاید خودشان را اظهار میکردند و دفاع می‌نمودند
بنده این رایورتی را که وزارت مالیه داده‌اند اولین
قدم عملی میدانم که باید در اصلاح مالیه برداشته شود
ولی در همان حال با آقای سردار معظم موافقم که این
رایورتی از آن نظر نباید نوشته شود که سلب مسئولیت
از وزیر بکند و خیلی خوب است این ورقه را طبع
و توزیع کنیم تا همه ملاحظه کنند و واقعات ایام قدرت
را به بینند که بر مالیه این مملکت چه آمده و به بینند
بچه اسم و رسم مالیه را اینجا برداند و از آن گذشته
چند چیز دیگر است که آقای سردار معظم و سایر
آقایان هم فرمودند و آن این است که این رایورتی
محتاج بنظریات وزیر مالیه است نه بتجربید نظر و رای
دادن در قوانینی که قبلاً گذشته و همانطور که میکنند

چیزهایی که برخلاف قانون است مخالف آن هستند و باید حذف شود و دیگر نه محتاج به نظر وزیر است نه غیر وزیر مثلا یکی از آنها این است که برخلاف قانون وظایف يك حقوقی برقرار شده و هر چه برخلاف قانون وظایف بوده فعلا از درجه اعتبار ساقط است این دیگر چیز تازه نیست که در او مذاکره کنیم قانون وظایف انشاء الله عملی است پس هر چیزی که برخلاف قانون وظایف بوده از درجه اعتبار ساقط است و همانطور که آقای سردار معظم فرمودند آنچه تصویب نام برخلاف قانون صادر شده که موافق با ترتیبات قانون نبوده یا قانون در آن موضوع سکوت نموده بوده از امروز باید از آنها جلوگیری شود و پرداخته نشود و جزء حساب بروراضه نشود مثلاً هر وزیر فرض نکنند من که پنجاه هزار تومان طلب دارم اگر این پیشنهاد یکماه طول بکشد برای اینکه هنوز تصویب نامه لغو نشده باشد تومان دیگر هم بر طلب من افزوده میشود پس باید تمام اینها از امروز تا موقعیکه تکلیف معین می شود از درجه اعتبار ساقط باشد مگر آنکه مجلس مجدداً تصویب کند و بملامه ممکن است مجلس هیئت دولت را یادآور شود که خود ما با معاونین شان باید اکثر در جلسات حاضر باشند و گفته شود این لایحه مثل راپورت پذیرفته شد ولیکن این طور مذاکره شد که آن چیزهایی که در قانون ذکر نشده و خارج از قانون است از درجه اعتبار ساقط است و باقی را اگر چیزی است که قانون در باره آن ساکت است بتوان لایحه قانونی پیشنهاد کنند و مجلس در آن موضوع موافق نظام نامه داخلی خود مذاکره و رای خواهد داد.

رئیس - معلوم نیست پیشنهاد چه چیز است پس چند دقیقه تنفس داده میشود بعد پیشنهاد کنید تا در آن رای گرفته شود گفته شد صحیح است (در این موقع آقایان برای تنفس از مجلس خارج و پس از نیم ساعت مجدداً جلسه تشکیل شد)

رئیس - آقای سردار معظم و آقای سلیمان میرزا و چند نفر دیگر پیشنهادی کرده اند راجع باین موضوع که مذاکره شد فراتر می شود بعد مذاکره و رای گرفته می شود.

(آقای تدین پیشنهاد مذکور را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

پیشنهاد میکنم که لایحه وزارت مالیه اولاً طبع شده بین نمایندگان توزیع شود ثانیاً بوزارت مالیه نوشته شود که آقای وزیر مالیه با محفوظ ماندن قوانین مملکتی مداخلات لایحه ۲۲۷۱۶ خود را در تحت مواد معین با اظهار عقیده خود در هر يك از مواد هر چه زودتر بمجلس شورای ملی پیشنهاد نمایند

سردار معظم - سلیمان میرزا - مساوات - نصیر - السلطنه - آقا سید فاضل کاشانی - محمد هاشم میرزا جلیل الملك تدین - سهام السلطان - آقا میرزا هاشم آشتیانی - فهم الملك - نصرت الدوله - محمد آشتیانی - آقا شیخ محمد جواد - میرزا علی حسن کاشانی آصف الملك - مشیر الدوله

رئیس - آقای سلطان العلماء راجع باین پیشنهاد اظهاری دارید.

سلطان العلماء

مخالف نیستم. رئیس پس کسی مخالف نیست چون قسمت اول لازم برای گرفتن نیست پس در قسمت دوم رای میگیریم آقایانیکه موافق هستند قیام نمایند. (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد هر چند که وظیفه بنده نیست در این قسمت مسائل دشوار بکنم ولی بعضی حفظ نظام نامه مجبورم برای اینکه آراء متضادی از مجلس صادر نشود لازم می دانم این را عرض کنم

که در ضمن مذاکرات گفته شد تصویب نامه باید الفاظ شود یعنی تصویب نامه هائی که مخالف قانون است ولی گمان می کنم قبل از اینکه چنین رای داده شود بایستی از روی تأمل و دقت اطراف آن کلاماً ملاحظه شود و پس از آن رای گرفته شود هر چند که راجع باین امر رای گرفته نشده ولی چون مذاکرات مجلس ممکن است در خارج موثر بشود این است که عرض میکنم غیر از این رای که داده شد سایر مذاکرات کان لم یکن خواهد بود برای اینکه اگر گفته شود تصویب نامه هائیکه مخالف قانون است الفاظ بشود باید وزارت مالیه مجبور شود چند میلیون پول هم بعضی اشخاص بدین ترتیب بعضی اشخاصی که موافق تصویب مجلس اول (۲۲۵) مقرری داشته و دولت تصویب کرده است توانی دوریال بدهند و البته چنین تصویب نامه مخالف قانون است لکن اگر بفرمایند تصویب نامه ها کلیتاً باید الفاظ شود آنوقت لازم می آید که توانی هفت قرائن و ده شاهی بآن اشخاص دستی داده شود پس بنده مجدداً عرض میکنم که سوائ این رأی که الان داده شده سایر مذاکرات کان لم یکن خواهد بود گفته شد صحیح است سه فقره پیشنهاد دیگر از طرف آقای سردار معظم و چند نفر دیگر هست قرائت می شود و بطبع میفرستم و پس فردا مذاکره می شود و اگر آقایان مایل باشند همین امشب هم ممکن است مذاکره شود آقای تدین پیشنهادهای مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند

پیشنهاد آقای سردار معظم راجع باصلاح بودجه مملکتی ۱۳۰۰ برج عقب ۱۳۰۰ نظر باینکه توجه در اصلاح مالیه مملکت چه از نقطه نظر تهیه موجبات آسایش عمومی از حیث یکدست کردن و متناسب نمودن مالیاتهای موجود و چه از حیث جمع و خرج و جلوگیری از تضییع آن و ایجاد بودجه ثابت مملکتی از وظایف خاص مجلس شورای ملی است و کمی وقت و تراکم امور و اصلاحات لازمه اجازه نمیدهد که در انتظار لوایح و قوانین مربوط بمسائل مذکوره مجلس شورای ملی اقسامی نمایند لهذا پیشنهاد می شود:

۱- مجلس شورای ملی بکمیسیون بودجه خود اجازه میدهد که با مشارکت دولت بودجه های جمع و خرج را تهیه نموده بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید. ۲- مجلس شورای ملی بکمیسیون قوانین مالیه خود اجازه میدهد که با مشارکت دولت داخل مطالعہ اوضاع مالیاتی و عوارض موجوده فعلی شده نتیجه مطالعات خود را با اصلاحات لازمه راپورتاً بمجلس تقدیم دارد.

پیشنهاد کننده سردار معظم تیورناش - فیروز رئیس - آقای سردار معظم (اجازه)

سردار معظم - اگر چه در پیشنهاد هائیکه تقدیم شده است فقط امضای بنده و یکی دونه از نمایندگان بیشتر نیست ولی این پیشنهادها هر سه فقره با تصویب و اطلاع رفقای جمعیتی بنده تقدیم شده بنابراین بنده از آقای رئیس درخواست میکنم که امر بفرمایند هر سه پیشنهاد را طبع و توزیع نمایند تا همه نمایندگان فرصت مطالعه و تاملی نظر داشته باشند و در جلسه دیگر مذاکره کنند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب - چون در اول بیانی فرمودند

و دقت وزارتخانه ها و اسناد لازمه رسیدگی کرده و از کلیه وزارتخانه ها و ادارات مربوطه توضیحات لازم را بخواهد و توضیحات مزبوره باید با سرعت وسائل به کمیسیون مزبوره داده شود.

۴ - کمیسیون تقبیلش مزبور بتمام تصمیمات سیاسی و امتیازات و اجارات و انفاللات و معاملات و عوارض برقرار شده برخلاف قانون و مصارف تصویب شده از طرف دولتهای مختلفه دوره فترت رسیدگی و راپورت رسیدگی خود را دوره بدوره بمجلس شورای ملی تقدیم میدارد.

۳ - کمیسیون مزبور حق دارد بتمام دوسه ها

که ممکن است مذاکره شود اگر اجازه بفرمایند در پیشنهاد سوم خیلی مذاکرات دارم

رئیس - روز دیگر هم میشود مذاکره کرد طبع و توزیع می شود و در جلسه دیگر مذاکره خواهد شد (گفتند صحیح است) اگر آقایان موافق باشند جلسه دیگر روز ۳ شنبه خواهد بود برای اینکه روز شنبه گمان میکنم جلسه مخصوصی برای این پیشنهادات لازم نباشد زیرا این پیشنهادات در ظرف نیم ساعت ختم خواهند شد و موقع قانونی شور و دهمه تمامه چین هم روز ۳ شنبه خواهد بود پس جلسه آتی روز ۴ شنبه ۲ ساعت و نیم بفریب مانده و دستور آن عهدنامه چین و این ۳ فقره پیشنهاد خواهد بود مخالفی نیست؟ (گفته شد خیر)

رئیس - ماده واحده وزارت مالیه هم جزو دستور ۳ شنبه خواهد بود

مجلس ۲ ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد جلسه ۴۸

صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه شانزدهم برج عقب پ ۱۳۰۰

مطابق هفتم شهر ربيع الاول ۱۳۴۰

مجلس نیم ساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤمن الملك تشکیل گردید

(صورت مجلس یوم پنجشنبه یازدهم عقب را آقای تدین قرائت نمودند)

رئیس - نسبت بصورت جلسه اعتراضی نیست (اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد دستور

امروز اولاً شورائی است در عهدنامه بین ایران و چین

ثانیاً شور در سه فقره پیشنهاد آقایان سردار معظم و نصرت الدوله و سلیمان میرزا ثالثاً شور ثانوی در

ماده واحده که وزیر مالیه پیشنهاد کرده بودند ولی چون وزیر مالیه مستعفی شده اند خواهد ماند که اگر

دولت آن ماده را قبول کند در آن شور بشود و الا سکوت عنه میماند (گفته شد صحیح است) قبل از این

که داخل دستور شویم باز شرط است که باید به عرض آقایان برسد اولاً چند جلسه قبل مذاکره شد که به

هیئت دولت تأکید شد و هر چه زودتر بودجه ها را بفرستند تا بکشد جواب داده اند مشغول تهیه هستند و همین

چندروزه پیشنهاد خواهند نمود ثانیاً به آقایان رؤسای کمیسیون ها عرض کرده بودند باینکه دیگر

مذاکره کند و اوقاتی را برای تشکیل کمیسیونها معین کنند آقایان اوقاتی معین کرده

بودند ولی موقع تشکیل بعضی کمیسیونها با بعضی دیگر تصادف پیدا می نمود لذا هیئت رئیسه اوقاتی معین کرده است و باید بنظر آقایان برسد که اگر تصویب

کردند از همان قرار اجرا شود پس از ختم مجلس باید آقایان رؤسای کمیسیونها جلسه تشکیل بدهند و آن

صورتی که نوشته شده ملاحظه کنند ثالثاً شنبه اول يك نفر بجای آقای مؤمن السلطنه که جزء کمیسیون

تحقیق انتخابات آقایان صدرائی و دست غیب بودند و استعفا کردند باید معین کنند در جلسه آتی هم کاروز

پنجشنبه پس فردا خواهد بود باید برای کمیسیون خارجیه يك نفر تعیین شود کمیسیون تحقیق انتخاب آقای نظام

الدوله هم مخبر خود را معین نکرده ایشان باید يك

پیشنهاد سوم خیلی مذاکرات دارم

رئیس - روز دیگر هم میشود مذاکره کرد طبع و توزیع می شود و در جلسه دیگر مذاکره خواهد شد (گفتند صحیح است) اگر آقایان موافق باشند

جلسه دیگر روز ۳ شنبه خواهد بود برای اینکه روز شنبه گمان میکنم جلسه مخصوصی برای این پیشنهادات لازم نباشد زیرا این پیشنهادات در ظرف نیم ساعت ختم خواهند شد و موقع قانونی شور و دهمه تمامه

چین هم روز ۳ شنبه خواهد بود پس جلسه آتی روز ۴ شنبه ۲ ساعت و نیم بفریب مانده و دستور آن عهدنامه چین و این ۳ فقره پیشنهاد خواهد بود مخالفی نیست؟ (گفته شد خیر)

رئیس - ماده واحده وزارت مالیه هم جزو دستور ۳ شنبه خواهد بود

مجلس ۲ ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد جلسه ۴۸

صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه شانزدهم برج عقب پ ۱۳۰۰

مطابق هفتم شهر ربيع الاول ۱۳۴۰

مجلس نیم ساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤمن الملك تشکیل گردید

نفر مخبر معین کنند کمیسیون عدلیه هم هنوز هیئت رئیسه خود را معین نکرده باید امشب هیئت رئیسه خود را معین نمایند شروع به شور و دهمه عهدنامه ایران و چین می نمایند فصل اول قرائت شود

(آقای تدین بمضمون ذیل قرائت نمودند)

فصل اول - از امروز ببعد دوستی صادقانه و مناسبات حسنه قیام بین ایران و چین و اتباع دولتی مزبور برقرار خواهد بود

رئیس - نسبت به فصل اول معارضی هست یا نه گفته شد خیر

رئیس - رأی می گیریم بفصل اول آقایانیکه تصویب می کنند قیام بفرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد فصل دوم قرائت میشود

(آقای تدین بمضمون ذیل قرائت نمودند)

فصل دوم سفرای کبار و وزرای مختار و شاورداران

ها که بفریک از دولتهای معظمین متعاهدین نخواهند بود

بدربار یکدیگر مأمورین نمایند خود و تمام اجزای سفارتی آنها در مالک طرفین مثل سفراء و مأمورین سیاسی

دول متعاهد کاملاً الوداد پذیرفته شده همان رفتار و کاملاً همان احترامات و امتیازات را غیر از رسیدگی

بسرانجام تهیه دولت خود خواهند بود

رئیس - در فصل دوم اعتراضی هست یا نه (اظهاری نشد)

رئیس - رأی گرفته میشود آقایانیکه فصل دوم را تصویب می فرمایند قیام نمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد فصل سوم قرائت می شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

فصل سوم - اتباع دولتهای معظمین متعاهدین خواه در موقع مسافرت و خواه در موقع اقامت مورد

احترام واقع میشوند و کاملاً در حفظ و حمایت مملکت و مأمورین دولت متعاهد خواهند بود

رئیس - آقای سردار معظم

(اجازه)

سردار معظم - نظر باین که فصل ششم این

معاهده در موقع بروز اختلاف نسخه فرانسه را معتبر

میشمارد لذا باید حتی الامکان در ترجمه سعی شود که

عبارات فارسی مطابق با فرانسه بکند و این عبارت ماده

سوم و یکی در مطلب دیگر همانطور که سابق هم گفته

شد موافقت کامل با عبارت فرانسه ندارد آیا ممکن

است آقای مخبر قبول بفرمایند که عهدنامه موافق نکست

فرانسه در عمل بگذرد یا خیر

مخبر - کمیسیون خارجیه این اصلاحات عبارتی

را می پذیرد و بجا آمده فصل سوم را قرائت و اینطور

اصلاح میکنم آقایان توجه نموده و در نسخ خودشان

تصحیح فرمایند

فصل سوم - اتباع دولتهای معظمین متعاهدین خواه

در موقع مسافرت خواه در موقع اقامت مورد احترام

واقع میشوند و کاملاً در حفظ و حمایت مأمورین دولت متوقف

فیها و مأمورین دولت متبوعه خودشان خواهند بود

بجای لفظ حکام آن مملکت مأمورین دولت متوقف

باید در حفظ و حمایت مأمورین دولت متوقف

فیها گذاشته شد که بر نسخه فرانسه هم نزدیکتر است (آقای تدین فصل سوم را بمضمون فوق قرائت نمودند)

رئیس - باین اصلاح که شد دیگر در فصل سوم مخالفی نیست

سلطان الملك - مأمورین دولت متوقف فیها و مأمورین دولت متبوعه خودشان لفظ مأمورین نکرار

شده گمان می کنم در مرتبه لازم نباشد

مخبر - تصور میکنم برای اینکه مقصود معین

باشد نباید باین اشکالات اولی اهمیت داد هر چه

عبارت روشن تر و واضع تر باشد بهتر است

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله

(اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم این

فصل توضیح لازم دارد و باید مطلب مفهوم بشود که

مقصود از حفظ و حمایت مأمورین دولت متوقف فیها و

مأمورین دولت متبوعه خودشان چیست عبارت از این

مهم است

مخبر - در شورای گمان می کنم توضیحات کافی

در این ماده داده شده و در اینجا دو مقصود است یکی

اینکه هر يك از اتباع خارجه که بدولت دیگری مسافرت

میکند باید در حفظ و حمایت مأمورین آن دولت یعنی

دولت متوقف فیها باشند مثلاً اگر يك نفر از اتباع چین

در ایران باید باین در مدت توقفش در ایران کاملاً در

حفظ و حمایت مأمورین ایران باشد و حقوق او را کایه

حفظ کنند و آن قسمت اخیر راجع بمأمورین دولت

خودشان برای این است که حق حفاظت هیچ دولتی

را اتباع خودش در مملکت دیگری نمی توان سلب نمود

و این ترتیب همه جا معمول است این جا هم باید معمول

باشد

حاج شیخ اسدالله - بنده هم همین توضیح را

می خواستم تصور میکنم در تمام جاها معمول باشد

که یک نفر مأمور دولتی که وارد مملکت دیگری میشود دولت

خود حق حفاظت او را داشته باشد زیرا دولت متوقف

فیهای آن مأمور مکلف است آن مأمور را حفظ کند

والا اسباب اشکال می شود حالا بنده نمیدانم قبایل

اصلاح باشد یا نباشد یا قابل تغییر باشد یا نباشد اگر

قابل تغییر نیست که احساس عرض بنده می نمود است والا

بنده با این ترتیب موافق نیستم و باید کلیه در تحت

حفاظت مأمورین دولت متوقف فیها باشد و پس از

آنکه مأمورین آنها وارد خاک مملکت ما شدند یا

مأمورین ما داخل در خاک چین شد حفاظت مأمورین

آن دولت با ما و حفاظت مأمورین ما باید با آن دولت باشد

دیگر خبرشان هیچ حق حفاظت ندارند زیرا ممکن

است باین عنوان قوم در مملکت ما ایجاد کنند یا در

مملکت آنها با اسم حفاظت مأمورین خود ایجاد کنیم و

بنده ابد این را صلاح نمی دانم

مخبر - بنده تصور میکنم آقای حاج شیخ

اسدالله راجع بفصل سوم اشتباه فرموده اند زیرا نمی

نویسد حفظ و حمایت مأمورین و اگر درست ملاحظه

فرمائید خواهید دید که منوبند اتباع يك دولتی که

در مملکت دیگر مسافرت میکنند و البته اتباع هر دولتی

باید در حفظ و حمایت مأمورین دولت متوقف

باشند و از آنطرف هیچ متعلق نیست که بگوئیم يك دولت متبوعی از نظارت و حفظ اتباع خودش در هر جای عالم باشد صرف نظر کند و این مسئله هم در همه جا معمول است مثلاً امروا کر یکی از اتباع ایران در خاک فرانسه یا آلمان یا انگلیس تندی شود و يك شكایتی داشته باشند بگویی باید مراجعه کند باید دانست در این موقع مرجع نظلم آن تبه دولت خودش است و آن دولت هم موظف و مكلف است که در حدود قوانین مملکتی متوقف فيها از تبه خود نگاهداری کند و حقوق او را حفظ و مصون دارد اگر در این مهندانه فصل چهارم نمی بود البته آنوقت بنده با فرمایش آقای حاج شیخ اسدالله موافق میشدم و کمیسیون هم موافقت میکرد ولی فصل چهارم صریحاً حقوق قضای را از دولتی که مأمور مقرر است سلب میکند این ملاحظه دیگر محل اشکالی بر ما باقی نیست و این ترتیب هم که در فصل سوم ذکر شده معمول و در همه جا متداول است

رئیس - آقای میرزا علی کاظمی (اجازه)

آقای میرزا علی کاظمی - بنده عرض میکنم که از صدای این عبارت هیچ معلوم نمیشود که اتباع دولت چین یا ایران در آن واحد متابعت دو قانون مختلف را باید بکنند یعنی هم تابع قوانین مملکت طرف باشند و هم مطیع قوانین مملکتی خودشان و این ترتیب ظاهرراً ممکن میباشد در صورتیکه فرمودند در ماده چهارم مخصوصاً مصرح است که کابینولاسیون ملغی است یعنی مادام که اتباع آنها در خاک ایران باشند باید تابع قوانین دولت ایران یعنی هر دو طرف باید تابع قوانین دولت متوقف فيها باشند بنابراین گمان میکنم عبارت ثانی زیاد باشد و جمع بین این دو هم ممکن نیست

رئیس - خاطر آقایان را متذکر میشوم که در شرایطی نمیشود زیاد متذکر کرد اگر ایرادی دارید باید بطریق ارجاع بکمیسیون پیشنهاد نمائید

مخبر - بنده در این فصل سوم هیچ عبارتی نمی بینم که مفهومش این باشد که يك نفر از اتباع طرفین در آن واحد تابع دو قانون باشد این است که دوباره بنده فصل سوم را می خوانم ملاحظه فرمائید

اتباع دولتی معظمین معاهدتین خواه در موقع مسافرت و خواه در موقع اقامت مورد احترام و اقامت و کاملاً در حفظ و حمایت مأمورین دولت متوقف فيها و مأمورین دولت متبوعه خودشان خواهند بود

در اینجا چیزی مذکور نیست که لازم حفظ و حمایت این باشد که اتباع طرفین تابع قوانین مملکت خودشان باشند فصل چهارم تصریح دارد و اینکه اتباع طرفین هم مملکتی هستند باید تابع قوانین مملکت باشند حفظ و حمایت مربوط به تهمیت قانون نیست بنده هر چه فکر میکنم هیچ ایرادی نمی بینم

رئیس - آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقای سید فاضل - بنده میخواستم عرض کنم در اینكه لفظ حمایت عطف بكماله حفظ است ولی اگر قناعت بكماله حفظ كنیم بهتر است و با اینکه عرض کردم

این دو كلمه هر دو یکی است ولی اگر قناعت بكماله حفظ کرده و حمایت را بر دارم و مندرت خواهد بود زیرا با هست خدای نخواسته يك وقتی سوء استفاده از این كلمه بشود اگر تنها قناعت بلفظ حفظ كنم بهتر است

معاون وزارت امور خارجه - بنده تصور می كنم این مسئله حفظ و حمایت راجع به نافع اتباع است مأمورین هر دولتی در خارج مكلف و موظف اند متافع اتباع خود را حفظ كنند و ممكن نیست مانع شد يك دولتی متافع اتباع خود را حفظ كنند

رئیس - آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقا سید فاضل - بنده با این جهت موافقم ولیكن عرض كردم حفظ كافی است و برای همین مقصود كه آقای معاون وزارت امور خارجه فرمودند لفظ حفظ این معنی را می رساند پس هست يك وقتی از لفظ حمایت سوء استفاده برای ما روی دهد

رئیس - (خطاب با آقا سید فاضل) اگر در ایراد خودتان مصر هستید باید پیشنهاد ارجاع بکمیسیون فرمائید

مخبر - بنده باید تذکره بآقای آقا سید فاضل بدهم چنانچه ملاحظه فرموده اند نسخه اصلی و معتبر این عهدنامه نسخه فرانسه است و این لفظ حمایت ترجمه لغت فرانسه است و آن لغت يك لغت علمی و معمولی است که از برای حمایت يك دولتی از اتباع خودش در دوات دیگر استعمال میشود و مسئله هم اینقدر که تصور می فرمائید اهمیت ندارد و چنانچه عرض کردم وحشت هائی که ممكن است ما داشته باشیم باید از نسخه فرانسه عهدنامه باشد و اگر ما در نسخه فارسی بخواهیم فقط بلفظ حفظ قناعت بکنیم باز هم نسخه فرانسه آن اعتبار و سندیت خود را خواهد داشت و تفاوتی نخواهد کرد

آقا سید فاضل - اهمیت ندارد ولیکن بنده بر عقیده خود گمان باقی هستم

رئیس - (خطاب با آقا سید فاضل) پیشنهاد فرمائید

آقا سید فاضل - بلی پیشنهاد می كنم رئیس - پیشنهادی که می فرمائید باید بطریق ارجاع بکمیسیون باشد

سر دار معظمین - در پیشنهاد باید روی گرفته شود یا خیر ؟

رئیس - بلی باید روی گرفته شود (آقای آقا سید فاضل پیشنهادی نوشته تقدیم نمودند)

رئیس - پیشنهاد جنابعالی صحیح نیست همینقدر باید نوشته باشید مراجعه بکمیسیون شود

آقا سید فاضل - اگر اجازه می فرمائید توضیح عرض كنم

رئیس - بعد توضیح بدهید (خطاب بمجلس) ایشان پیشنهاد کرده اند فصل سوم بر گردد بکمیسیون آیا کمیسیون می پذیرد یا خیر ؟

مخبر - خیر کمیسیون نمی پذیرد

رئیس - فرمائید

مشیر الدوله - بنده گمان می كنم برای آقای آقا سید فاضل سوء تفاهم حاصل شده باشد زیرا بنده عهدنامه نوشته و قید شده است که متن عهد نامه نسخه فرانسه اش اعتبار دارد و اگر اختلافی پیدا شد باید بنده فرانسه رجوع شود و آن نسخه را بفارسی ترجمه کرده اند در فرانسه يك كلمه بود و در فارسی بدو كلمه حفظ و حمایت ترجمه کرده اند حالا اگر ایشان می خواهند ترجمه آن كلمه حفظ باشد حفظ باشد اگر میخواهند لفظ حمایت باشد حمایت باشد و آن كلمه را میشود هم حفظ و حمایت یا هم هم حفظ تنها و هم حمایت تنها ترجمه کرد و بنا بر این هیچ مغایرتی با فرمایش آقای آقا سید فاضل ندارد

آقا سید فاضل - اگر همین است كه آقای مشیر الدوله می فرمایند صحیح است رئیس - پس پیشنهاد خودتان را مسترد می نمائید

آقا سید فاضل - بلی بنده پیشنهاد خود را مسترد می نمائیم

رئیس - پس رأی می گیریم فصل سوم آقابانی که تصویب می كنند بلامناهی (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

فصل چهارم قرائت میشود

(آقای تدین مضمون ذیل قرائت نمودند)

اتباع دولتی معظمین معاهدتین معین یا مسافر در ممالك هم دیگر تابع قوانین محلی بوده مرفعه و مناقشه و چنانچه رعایت آنها در معاهدتین معین ایران و چین رسیدگی و فاصله خواهد گرفت

رئیس - نسبت باین فصل مخالفی هست ؟ (که نه شدخیر) رأی می گیریم بفصل چهارم بترتیبی که قرائت شد آقابانی که تصویب میکنند قیام فرمائید

(غالباً قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - فصل پنجم (فصل پنجم مضمون ذیل خوانده شد)

دولتین معظمین معاهدتین حق خواهند داشت قنصل ژنرال قنصل ویس قنصل یاوکیل قنصل برای اقامت در شهر های عده و در بنادر مملکت یکدیگر مأمور نمایند و مأمورین مزبور با مقامات در آنجا هستند

بامور مراجعه و مشاجره و چنانچه وجنایت تبه در تمام حقوق و امتیازات که بمأمورین قنصلوگری دول کاملاً الوداد داده شده بهره مند خواهند بود

مأمورین مزبور باید قبل از شروع با انجام وظایف مأموریت خودشان مطابق معمول تصدیق نامه مأموریت را (اگر کوثر) از دولتی که در مملکت اقامت خواهند داشت تحصیل نمایند دولتی متعاهدتین اگر مایل باشند یک نفر از تجار را بست جنرال قنصل یا قنصل یا ویس قنصل یاوکیل قنصلی معین نمایند مأموریت آن اقتضای خواهد بود

رئیس - آقا سید فاضل - بنده عرض کردم که اگر ما چنینی در این معاهدات بکنیم گمان نمیکند وقت مجلس را تصبیح کرده باشیم زیرا ما بقدری زحمت و فشار در این معاهدات کشیده ایم که پوستمان کنده شده عرض میکنم يك معاهده دولت ایران و چین می بندند بنده که حقوق بین المللی را درویرا نخوانده ام

لكن در روزنامه دیدم که افغانستان و روس با یکدیگر معاهده بسته اند و جعل قنصلها را در سه چهار شهر

رئیس - آقا سید فاضل - بنده عرض کردم که اگر ما چنینی در این معاهدات بکنیم گمان نمیکند وقت مجلس را تصبیح کرده باشیم زیرا ما بقدری زحمت و فشار در این معاهدات کشیده ایم که پوستمان کنده شده عرض میکنم يك معاهده دولت ایران و چین می بندند بنده که حقوق بین المللی را درویرا نخوانده ام

رئیس - آقای مستشار السلطنه (اجازه)

مستشار السلطنه - بین مأمورین سفراء و وزراء مختار و همچنین قنصلها و ویس قنصلها و آگنت های سیاسی البته تعاونی از حیث حقوق و اختیارات هست چون بنده تصور میکنم در حقوق بین المللی این مسئله باشد از قبیل گذراندن اموال قنصلوگریها و زندگانی آنها در ممالك متوقف فيها لابد بین سفراء و وزراء مختار و سایرین در قضایای داخلی هر دولتی که در آنجا مأمور هستند از قبیل خانه های خصوصی شان یا قنصل خانها يك تفاوت و معاملاتی در بین است

و اینجا در خصوص قنصلها و مأمورین سیاسی قیدی نشده که يك مقرراتی دیگر هم قیام از این برای آنها هست بنده تصور میکنم اگر مفصل نمی شود ذکر کرد اینجا يك اشاره بشود که با اطاعت آن مقرراتی که برای قنصلها و مأمورین سیاسی خواهد بود که برساند در معاملاتی که با آنها میشود تفاوتی هست حالا در پروازنن مطلب شاید آقای مخبر توجهی بعرض بنده فرمائید

مخبر - بنده متأسفانه ملتفت نشدم مقصود من عرض محترم چیست آیا مقصود این است که تفاوتی بین قنصلها و وزرای مختار باشد یا اینکه بعد از این عهدنامه راجع به امتیازات قنصلها و وزرای مختار و سفرا یکبار مقرراتی نوشته شود مقصود چیست

مستشار السلطنه - البته يك مقرراتی بین دولتی هست و لابد آن معاملاتی كه با وزرای مختار و سفرا یکبار میشود با قنصلها نمی شود یا معامله ای که خانه قنصل میشود یا قنصلخانه میشود یا همان معامله که نسبت بسفراء و وزرای مختار در موانع جنحه و جنایت میشود با نمایندگان درجه دوم و يك حق معینی می بینیم یعنی همان حق را که برای سفیر کبیر قائلند برای آگنت درجه دوم و سوم قائل شده اند باین مناسبت خواستم بدانم همه در عرض یکدیگر هستند

مخبر - در ماده چهارم مصرح است که مأمورینی که از طرفین معین میشوند از قبیل قنصل ویس قنصل یاوکیل قنصل با استثنای حقوق قضای که الغای کابینولاسیون است دارای حقوق و امتیازاتی هستند که بمأمورین قنصلوگری دول کاملاً الوداد داده شده در این صورت هیچ اشکالی ندارد در معامله که با سفراء دول کاملاً الوداد میشود با سفراء دولتی هم میشود

رئیس - آقا سید فاضل - بنده عرض کردم که اگر ما چنینی در این معاهدات بکنیم گمان نمیکند وقت مجلس را تصبیح کرده باشیم زیرا ما بقدری زحمت و فشار در این معاهدات کشیده ایم که پوستمان کنده شده عرض میکنم يك معاهده دولت ایران و چین می بندند بنده که حقوق بین المللی را درویرا نخوانده ام

لكن در روزنامه دیدم که افغانستان و روس با یکدیگر معاهده بسته اند و جعل قنصلها را در سه چهار شهر

رئیس - آقا سید فاضل - بنده عرض کردم که اگر ما چنینی در این معاهدات بکنیم گمان نمیکند وقت مجلس را تصبیح کرده باشیم زیرا ما بقدری زحمت و فشار در این معاهدات کشیده ایم که پوستمان کنده شده عرض میکنم يك معاهده دولت ایران و چین می بندند بنده که حقوق بین المللی را درویرا نخوانده ام

لكن در روزنامه دیدم که افغانستان و روس با یکدیگر معاهده بسته اند و جعل قنصلها را در سه چهار شهر

رئیس - آقا سید فاضل - بنده عرض کردم که اگر ما چنینی در این معاهدات بکنیم گمان نمیکند وقت مجلس را تصبیح کرده باشیم زیرا ما بقدری زحمت و فشار در این معاهدات کشیده ایم که پوستمان کنده شده عرض میکنم يك معاهده دولت ایران و چین می بندند بنده که حقوق بین المللی را درویرا نخوانده ام

لكن در روزنامه دیدم که افغانستان و روس با یکدیگر معاهده بسته اند و جعل قنصلها را در سه چهار شهر

رئیس - آقا سید فاضل - بنده عرض کردم که اگر ما چنینی در این معاهدات بکنیم گمان نمیکند وقت مجلس را تصبیح کرده باشیم زیرا ما بقدری زحمت و فشار در این معاهدات کشیده ایم که پوستمان کنده شده عرض میکنم يك معاهده دولت ایران و چین می بندند بنده که حقوق بین المللی را درویرا نخوانده ام

لكن در روزنامه دیدم که افغانستان و روس با یکدیگر معاهده بسته اند و جعل قنصلها را در سه چهار شهر

رئیس - آقا سید فاضل - بنده عرض کردم که اگر ما چنینی در این معاهدات بکنیم گمان نمیکند وقت مجلس را تصبیح کرده باشیم زیرا ما بقدری زحمت و فشار در این معاهدات کشیده ایم که پوستمان کنده شده عرض میکنم يك معاهده دولت ایران و چین می بندند بنده که حقوق بین المللی را درویرا نخوانده ام

لكن در روزنامه دیدم که افغانستان و روس با یکدیگر معاهده بسته اند و جعل قنصلها را در سه چهار شهر

رئیس - آقا سید فاضل - بنده عرض کردم که اگر ما چنینی در این معاهدات بکنیم گمان نمیکند وقت مجلس را تصبیح کرده باشیم زیرا ما بقدری زحمت و فشار در این معاهدات کشیده ایم که پوستمان کنده شده عرض میکنم يك معاهده دولت ایران و چین می بندند بنده که حقوق بین المللی را درویرا نخوانده ام

معین کرده اند بنده آن جلسه هم عرض کردم و پیشنهاد کردم خوب است معین کنید در چند شهر حق دارند قنصل فرستند که آنوقت فرضاً نمایند چین بگویند در بندر عباس یک نفر تبعه من فلانطور شده و قنصل من آنجا نیست - بنده عرض میکنم همانطور سایر دول وقتی معامله می بندند جای آنها را معین میکنند ما هم محل آنها را معین کنیم که حق دارند در دو شهر یا سه شهر قنصل فرستند

معاون وزارت امور خارجه - این مسئله که می فرمائید محل قنصلها را معین کنند ممکن نیست زیرا بعضی اوقات در بعضی نقاط قنصل لازم نمیشود و بعضی اوقات لازم میشود فلان نقطه که قنصل نداشته فرستند تعیین قنصل راجع بمصالح مملکتی و مقاصد سیاسی است بعضی اوقات مصالح سیاسی يك دولت اقتضا دارد که در چند نقطه بیشتر قنصل نداشته باشد یا از چند نقطه بخصوص خارج می کنند اینها فقط منوط بمصالح مملکتی است و باین ملاحظه دولت ایران نقایطی را معین نکرده است

رئیس - آقای سردار معظمین (اجازه)

سردار معظمین - بنده قسمت آخر ماده را درست نمی فهمم مایل بودم كه آقای مخبر توضیحی بدهند قسمت اخیر میگوید دولتی متعاهدتین اگر مایل شدند يك نفر از تجار را بست قنصل یا ویس قنصل معین نمایند مأموریت او اقتضای خواهد بود

بمقیده بنده مقصود تجارت معلی است یعنی در ایران تجارت چینی و در چین تجارت ایرانی و در هر صورت این عبارت مقصود را نمی پروراند گمانم این است که از طرف یکی از دو دولت نباید تاجر بست ژنرال قنصل یا قنصل در مملکت دیگر معین شود اگر

اینطور تعبیر شود تصور میکنم زیاد خوب نباشد زیرا تعیین قنصل بیشتر مربوط بمأمور تجارت است و اگر مایل تاجری داشته باشیم و آدم لایقی باشد و دولت ما او را برای ژنرال قنصلوگری در دولت چین تعیین کند چه اشکالی خواهد داشت خوب است توضیح فرمائید تا بنده بفهمم

مخبر - عبارت فارسی و فرانسه هر دو حاضر است و الان بنده مطالعه میکنم در هر دو بطور مطلق ذکر شده یعنی قید نکرده که تجارت معلی یا غیر معلی باشد اجازه می فرمائید بخواهم ؟

سر دار معظمین - فرمائید

مخبر - فرانسه اش را بخوانم (بعضی اظهار نمودند خبر ما فرانسه نمیدانیم)

سر دار معظمین - مرحمت فرمائید ببینم (نسخه فرانسه عهدنامه را با آقای سردار معظمین تسلیم نمودند)

مخبر - در هر صورت بمقیده بنده بطور مطلق ذکر شدش هم ضرری ندارد برای اینکه اقتضای هم که باشد و بتواند وظایف قنصلوگری را انجام دهد فرقی نمی کند بنده عیب نمی بینم ولی عبارت که هیچ توضیحی ندارد كه از تجارت معلی است یا تجارت دیگر

رئیس - این فصل متضمن فقره مطلب است تفكیک کنیم و مذاکره شود بهتر است فعلاً مذاکره

رئیس - آقا سید فاضل - بنده عرض کردم که اگر ما چنینی در این معاهدات بکنیم گمان نمیکند وقت مجلس را تصبیح کرده باشیم زیرا ما بقدری زحمت و فشار در این معاهدات کشیده ایم که پوستمان کنده شده عرض میکنم يك معاهده دولت ایران و چین می بندند بنده که حقوق بین المللی را درویرا نخوانده ام

لكن در روزنامه دیدم که افغانستان و روس با یکدیگر معاهده بسته اند و جعل قنصلها را در سه چهار شهر

رئیس - آقا سید فاضل - بنده عرض کردم که اگر ما چنینی در این معاهدات بکنیم گمان نمیکند وقت مجلس را تصبیح کرده باشیم زیرا ما بقدری زحمت و فشار در این معاهدات کشیده ایم که پوستمان کنده شده عرض میکنم يك معاهده دولت ایران و چین می بندند بنده که حقوق بین المللی را درویرا نخوانده ام

لكن در روزنامه دیدم که افغانستان و روس با یکدیگر معاهده بسته اند و جعل قنصلها را در سه چهار شهر

رئیس - آقا سید فاضل - بنده عرض کردم که اگر ما چنینی در این معاهدات بکنیم گمان نمیکند وقت مجلس را تصبیح کرده باشیم زیرا ما بقدری زحمت و فشار در این معاهدات کشیده ایم که پوستمان کنده شده عرض میکنم يك معاهده دولت ایران و چین می بندند بنده که حقوق بین المللی را درویرا نخوانده ام

در قسمت اول است

آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده از مطلبی که آقای معاون بیان کردند قانع نشدم بواسطه اینکه دلیل ندارد ما محل مأمورین خودمان را تعیین بکنیم اگر معین کنیم البته از خیلی چیزها راحت میشویم

رئیس - اگر پیشنهاد دارید باید بطریق ارجاع بکمیسیون پیشنهاد کنید

آقا سید یعقوب - چشم پیشنهاد میکنم مخبر - بنده آنروز توضیحات مفصلی دادم حالا هم آقای معاون تکرار نمودند نظری که آقای آقا سید یعقوب دارند البته نظر صحیحی است و ممکن است رعایت بشود و در خیلی از عهدنامه ها رعایت شده حالا در این عهدنامه ذکر نشده ضرری ندارد برای اینکه اگر دولت چین بخواهد در يك نقطه قنصل معین کند و دولت ایران بخواهد اختیار دارد و تا تصدیق نامه از طرف دولت ایران نداشته باشد قبول نخواهد بود و اگر آقای آقا سید یعقوب ذبح شدند پیشنهاد فرمائید بهتر است

رئیس - آقای آقا سید یعقوب پیشنهاد حاضر شده است ؟

آقا سید یعقوب - حاضر است فقط دو عهده می نویسم که مسئولیت رفع شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب پیشنهاد میکنند این فصل بر گردد بکمیسیون کمیسیون قبول میکنند یا خیر ؟

مخبر - خیر کمیسیون قبول نمیکند

مشیر الدوله - گمان میکنم اگر يك توضیحی داده شود آقای آقا سید یعقوب متقاعد شوند انسان نیز خوب است توجه کنند باین جمله که نوشته است در شهرهای معتبر و در بنادر عده مملکت که این قبیل مأمورین مجاز هستند در آنجا اقامت نمایند ایشان نظرشان این است که شاید در بعضی جاها بشوایم قنصل یا ویس قنصل قبول کنیم بموجب این جمله که نوشته شده است نقایطی که این قبیل مأمورین مجاز هستند ما می توانیم در بعضی نقاط قبول کنیم یعنی اگر مخطوطی نداریم می توانیم از سایر دول قبول کنیم چنانچه هم از دول کاملاً الوداد است چه مخطوطی دارد از آن دول هم قبول میکنیم و اگر مخطوطی نداریم که از هیچ دولتی نمیتوانیم قبول کنیم از ارام قبول نمیکند چنانچه سابق هم بعضی شهرها داشتیم که هیچ نبود قبول نکرده ایم پس اگر از سایر دول قبول کردیم از چین هم چون دولت کاملاً الوداد است باید قبول کنیم والا خیر من نمی دانم بران چه باید محدود شود و برای چه این نظریه را اظهار کرده اند

رئیس - رأی می گیریم پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب آقابانی که پیشنهاد ایشان را قابل توجه می دانند قیام نمایند (کسی قیام نمود)

رئیس - قابل توجه اند در این قسمت دیگر مخالفی نیست ؟ (اظهار داشتند) در قسمت دوم حضور مخالفی هست یا خیر ؟ (گفته شد خیر) قسمت سوم آقای سردار معظمین مخالفند

رئیس - آقا سید یعقوب پیشنهاد میکنند این فصل بر گردد بکمیسیون کمیسیون قبول میکنند یا خیر ؟

مخبر - خیر کمیسیون قبول نمیکند

مشیر الدوله - گمان میکنم اگر يك توضیحی داده شود آقای آقا سید یعقوب متقاعد شوند انسان نیز خوب است توجه کنند باین جمله که نوشته است در شهرهای معتبر و در بنادر عده مملکت که این قبیل مأمورین مجاز هستند در آنجا اقامت نمایند ایشان نظرشان این است که شاید در بعضی جاها بشوایم قنصل یا ویس قنصل قبول کنیم بموجب این جمله که نوشته شده است نقایطی که این قبیل مأمورین مجاز هستند ما می توانیم در بعضی نقاط قبول کنیم یعنی اگر مخطوطی نداریم می توانیم از سایر دول قبول کنیم چنانچه هم از دول کاملاً الوداد است چه مخطوطی دارد از آن دول هم قبول میکنیم و اگر مخطوطی نداریم که از هیچ دولتی نمیتوانیم قبول کنیم از ارام قبول نمیکند چنانچه سابق هم بعضی شهرها داشتیم که هیچ نبود قبول نکرده ایم پس اگر از سایر دول قبول کردیم از چین هم چون دولت کاملاً الوداد است باید قبول کنیم والا خیر من نمی دانم بران چه باید محدود شود و برای چه این نظریه را اظهار کرده اند

رئیس - رأی می گیریم پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب آقابانی که پیشنهاد ایشان را قابل توجه می دانند قیام نمایند (کسی قیام نمود)

رئیس - قابل توجه اند در این قسمت دیگر مخالفی نیست ؟ (اظهار داشتند) در قسمت دوم حضور مخالفی هست یا خیر ؟ (گفته شد خیر) قسمت سوم آقای سردار معظمین مخالفند

رئیس - آقا سید یعقوب پیشنهاد میکنند این فصل بر گردد بکمیسیون کمیسیون قبول میکنند یا خیر ؟

مخبر - خیر کمیسیون قبول نمیکند

پرسدند .
 رئیس - آقایانی که مایل باشند می توانند
 بابت کمیسیون خارج مراجع کنند دستور امشب بقیه
 دستور جلسه قبل است ولی یک رایزری راجع با آقای
 آقا شیخ محمد حسن سعادت نماینده لاریسده است
 آقایان موافق هستند چاره دستور امروز بشود
 یا خیر ؟
 مخالفی نبود و آقای شیخ المراقب زاده برای فرائض
 دایورت شعبه پنجم
 (احضار و حضور ذیل فرائض نمودند)
 دایورت از شعبه پنجم بمجلس شورای ملی
 راجع باعتبار نامه آقای آقا شیخ محمد حسن
 سعادت .
 در یوم سه شنبه هفتم شهر جاری شعبه ۵ برای
 رسیدگی بدوسیه انتخابات حوزه مرکزی لاریسده
 راجع بصحت اعتبار نامه آقای آقا شیخ محمد حسن
 سعادت دایورت ذیل را بمجلس شورای ملی تقدیم
 می دارد
 در تاریخ ۸ شهریور ۱۳۲۷ حکومته لاریس
 حسب امر وزارت داخله هیئت نظار حوزه مرکزی
 لاریس موافق قانون تشکیل هیئت نظار اعلان انتخابات
 را مطابق ماده ۲۱ قانون انتخابات داده و برای شعبه
 پنجاه و دو دراز و پانصد ورقه تعرفه و برای شعبه
 پنجاه و سه ورقه تعرفه صادر نموده و بدین مضمون
 ارسال داشته و در حوزه مرکزی لاریس و نواح در مدت
 دوره (۲۱۶۹) ورقه توزیع و تا ۲۵ شوال اخذ آرا
 نمود و نظار محترم صندوق شعبه پنجاه و سه
 میفرمودند در ۲۵ شوال ارسال از بندر لنگه میرسد که
 ما تابع بندر بوشهر هستیم هر وقت از طرف حکومت
 بوشهر حکم شد ما شروع بانتخاب خواهیم کرد و هیئت
 نظار مرکزی اخطار می کنند که مطابق صورت موجود در
 قانون انتخابات چون بندر لنگه جزو حوزه انتخابیه لاریس است باید
 تا اول مهر ۱۳۲۸ انتخابات آنجا را خاتمه داده و صندوق
 آراء را بجزیره مرکزی ارسال دارند و اگر هر آینه
 در مدت مذکور صندوق آراء نرسید هیئت نظار مرکزی
 صندوقهای آراء موجود را استخراج کرده خاتمه
 انتخابات را اعلان خواهند نمود
 در تاریخ ۱۱ ذی قعدة صندوق آراء حوزه بندر لنگه
 رسید و چون در موعد مقرر صندوق آراء بندر لنگه
 نرسید هیئت نظار مرکزی تألیف سه هفته ضرب الاجل
 نمود و اخطار می نمایند که بانتخابات خاتمه دهند ولی
 از بندر لنگه همان جواب سابق رسیده و حاضر برای
 شرکت در انتخاب نمی روند هیئت نظار مرکزی در
 ۲۴ شهریور ۱۳۲۸ شروع باستخراج آراء حوزه
 مرکزی و شعبه پنجاه و دو در نتیجه فرائض کلیه
 آراء که عبارت از (۲۱۲۱) ورقه رای بود آقا شیخ
 محمد حسن سعادت دارای اکثریت (۹۳۲) رای بوده
 هیئت نظار یک هفته برای اصفاء و شکایات و یک هفته
 برای رسیدگی تعیین و چون شکایاتی نرسیده خاتمه
 انتخابات نمایندگی آقا شیخ محمد حسن سعادت با اکثریت
 (۹۳۱) رای اعلام نماید شعبه ۵ پس از ملاحظه صورت

مجلس که شرح فوق نگاشته شده و رسیدگی بدوسیه
 چون هیچ شکایتی به هیئت نظار بمجلس شورای ملی
 نرسیده بود با اکثریت تمام صحت جریان انتخابات
 و نمایندگی آقا شیخ محمد حسن سعادت را تصدیق
 می نماید
 رئیس - نسبت باین رایزرت مخالفی نیست
 آقا میرزا علی گازرونی - بنده مخالفم
 رئیس - مخالفید
 آقا میرزا علی گازرونی - بلی بنده
 مخالفم
 رئیس - می ماند برای جلسه دیگر طبع و
 توزیع میشود
 ماده واحده - کمیسیون بودجه راجع بتعویض
 فراوانخانه مغربیه گذر لوطی صالح بمسجد جنب
 آن مطرح بحث شده است در این باب مخالفی هست
 یا نیست ؟
 سلیمان میرزا - البته بهترین کارها این
 است که یک فراوانخانه خرابه را بیک ازمایه مقدسه
 تبدیل نمایند و یک مسجدی دائر می کنند اما ماده که
 نوشته شده فقط وظیفه را که میرساند این است که این
 خرابه را تعویض مسجد می دهند آیا همین قدر که آن
 را منتقل کنند بمسجد از برای مسجد کافیست می کنند؟
 نه بلکه فقط یک زمین خرابه هم جزء مسجد می شود
 عقیده بنده این است که اگر ممکن باشد با دآوری
 یا در دایورت صریحاً بنویسند که بلندی طهران کاملاً
 آنجا را بسازد و یک جای مقنعی درست کند و
 تعویض بدهند
 رئیس - آقای مستشار السلطنه (اجازه)
 مستشار السلطنه - بنده تصور می کنم این
 محل فراوانخانه اگر برای مسجد بطوریکه از طرف
 آقای حاج آقا جمال نقاضا شده اختصاص داده شود
 خودشان برای ساختن و تعمیر کردن حاضر هستند و
 گمان میکنم دیگر محتاج ببلندی نباشد که بلندی هم
 متحمل یک مخارجی شود
 رئیس - آقای تدین (اجازه)
 تدین - این ماده واحده که در کمیسیون
 بودجه تصویب شده است تصریح می کند مطابق
 پیشنهاد ریاست وزراء عظام و آن پیشنهاد دارای دو
 ماده است در ماده دوم اشاره می کنند که بلندی باید
 ناظر باشد که اراضی فراوانخانه مزبور و مصالح آن
 برای توسعه مسجد و تعمیر آن تخصیص شود و چون در
 ماده واحده کمیسیون می نویسند مطابق پیشنهاد نمره
 ۱۱۸۱۱ ریاست وزراء عظام واگذار شود تصور
 می کنم رفع اشکال شاهزاده هم میشود و در هر صورت
 بنده موافقم
 رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)
 حاج شیخ اسدالله - بنده موافق هستم خواستم
 ببینم مخالفی هست که بعد از یک مخالف نظریات خود
 را عرض کنم
 رئیس - آقای سلیمان میرزا مخالفند بعد از
 ایشان بفرمایند
 سلیمان میرزا - بنده مخالف ساختن مسجد

نیستم و مخالف ضمیمه فراول خانه مزبور بمسجد
 نیستم
 رئیس - مخالف ماده هست
 سلیمان میرزا - بلی فقط عرض می کنم
 برای تکمیل ماده چون در پیشنهاد رئیس الوزراء
 مصرح است که بلندی نظارت کند مصالح و اراضی فراول
 خانه صرف توسعه مسجد شود یکمادوری این ماده را
 کامل کنند که اگر یک وقتی آن مصالح کفایت برای
 توسعه مسجد نکند خود بلندی از ازمایه ای که دارم مسجد
 را که یکی از اماکن مقدسه ما است تعمیر نماید
 و صریحاً کتابت مذهب می سازد اما بعد از این
 کسی مخالف ساختن مسجد نمی تواند بشود و البته
 خیلی بهتر است که زودتر این مسجد را تکمیل میکنند
 و یک خرابه و مزبله بر خرابه های این شهر افزوده شده
 تعمیر جزء یکی از اماکن مقدسه بشود نه اینکه یک
 خرابه را بیک گوشه مسجد بیفزایند چنانکه حالیه
 هم هست زیرا این اراضی طوری خراب شده که مصالح
 آن کفایت تعمیر آنجا را نمیکند و اگر بقدر متولی
 و آنجا دارند هیچوقت درست نمی شود و فقط بعض
 یادآوری عرض می کنم که بلندی خودش را زهدار
 بداند که نوافس مسجد را رفع بکند و بقیه مصارف
 آنرا از عایدات شهری که دارد بدهد
 سردار معظم مخبر کمیسیون بودجه -
 البته با ساختن مسجد کسی مخالف نیست و همه موافق
 هستند ولی با صرف شدن بعضی عوائد از برای مسجد
 بنده مخالفم و اهمیت هم ندارد گفتند
 صحیح است) افکار عامه ما حالا دیگر بهتر شده
 و حقایق را زیاده و بهتر درک میکنند و بمجرد
 اینکه گفته شود مسجد ساخته شود نباید بگوئیم هر
 چیزی صرف مسجد شود خبر البته نظر اینک بمجلس
 شورای ملی مملکت مجلس مسلمانی است نهایت درجه
 اشتیاق دارد که تمام معابدش درست و منظم باشد
 ولی با وجود این نمایندگان نباید و دلسوتر از خود
 متولی مسجد باشند و حتی روح نظامات مجلس شورای ملی
 حق ندارد اضافه خرج بر پیشنهاد دولت تصویب کند
 این حق را مجلس ندارد این پیشنهاد دولت هم محتوی
 درخواست متولی مسجد است و آن مسجد لابد یک
 موقوفاتی دارد که آن موقوفات تعمیر است مسجد را
 تأمین خواهد کرد فعلاً متولی تقاضای ضمیمه این
 فراوانخانه خراب را کرده خوب است آنرا بدون
 مخالف و بدون حرف زدن تصویب کنیم بعد اگر
 متولی مسجد دید با عوائد عادی مسجد نمی شود آنرا
 ضمیمه مسجد کرد و مصالحی که آن فراوانخانه دارد
 کافی نیست باز همان دولت مسلمان و همان مجلس
 مسلمان و همان احصاءات اسلام پرستانه است آنوقت متولی از
 دولت تقاضا میکنند که از عوائد یا غیر بلندی کمک خرجی
 باو بدهند دولت هم بمجلس شورای ملی پیشنهاد میکند
 آنوقت تمام باهم یکصد تصویب خواهیم کرد که از
 عوائد بلندی یا فلان فلان مقدار برای تعمیرات مسجد
 تخصیص داده شود حالا من تصور میکنم دولت آقایان
 نمایندگان آنکذا بفرمایند بواگذاردن فراوانخانه

بمسجد خود متولی هم بیش از این توقع ندارد و البته
 ترویج عقاید مذهبی خیلی خوب است
 رئیس - کمیسیون بایشهاد ریاست وزراء
 مخالفتی ندارد
 مخبر - غیر خلاصه کردم در یک ماده
 رئیس - پس پیشنهاد دولت بایستی مطرح شود
 قرار داده شود چون دو ماده دارد باید اولاً در کلیات
 مذاکره شود و بعد در مواد فعلاً مذاکره در کلیات
 است - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)
 محمد هاشم میرزا - بنده نمیتوانم بمخوام
 عرض کنم که این عوائد بلندی که گرفته میشود بدو
 ساختن مسجد نمیخورد
 رئیس - این نه مخالف بود نه موافقت آقای
 آقا سید فاضل مخالفید
 آقا سید فاضل - بلی بنده موافقم
 مخبر - بنده توضیحی نمیتوانم بچرا ماده
 کمیسیون طرح نمیشود ؟
 رئیس - وقتی رایوت کمیسیون مطرح میشود که
 که بایشهاد دولت مخالف باشد
 مخبر - ولایتیک یک اختلاف عادی هم باشد
 چون کمیسیون لایحه دولت را کافی نمی دانست باین
 جهت این رایوت را نوشت و از جهت عبارت که
 اختلاف دارد ؟
 رئیس - مفادش یکی است
 مخبر - بلی البته مفادش غیر قابل اختلاف
 نظر است یک زمین برای ساختن مسجد خواسته ام
 تصویب کردیم و در تحت یک ماده واحده نوشتیم ماده
 بنده لازم بود پس از این نقطه نظر بنده تصور
 میکنم ظاهر آن نظر کمیسیون با نظر دولت شاید
 موافق نباشد
 رئیس - چون مسئله نظارت بلندی در لایحه
 که خود رئیس الوزراء پیشنهاد کرده اند ذکر شده
 و این ماده واحده اشاره بآن لایحه نموده بنابراین
 این واحد مکفی نخواهد بود زیرا هر کس این ماده
 واحد را درست بگیرد باید پیشنهاد رئیس الوزراء
 رجوع کند حالا ممکن است پیشنهاد رئیس الوزراء
 را در دو ماده اصلاح بفرمایند اصلاحات عبارتی هم در
 آن بشود بعد رای بگیریم
 مخبر - فرق نمیکند اگر بخواهیم این کار
 را بکنم باز مکملی خواهد داشت
 رئیس - آقای محقق العلماء (اجازه)
 محقق العلماء - بنده از فرمایشات بعضی از
 آقایان خیلی متشکرم مخصوصاً از دیانت حضرت والا
 شاهزاده سلیمان میرزا و قسمت اخیر فرمایشات آقای
 سردار معظم ولی عرض میکنم جواب سلام علیکم
 علیکم السلام است آنها که حالا نخواستند اند دولت
 خرج کند با بلندی خرج کند اصلاً نظارت بلندی برای
 چیست و می خواهد چه کند اگر بنا شود یک متولی
 یا یک تاجر محترمی که بلندی بخواهد
 خرج کند نظارت هم نمیکند بگر نظارت بلندی را بخواهد
 چه کند
 رئیس - عرض کردم مذاکره در کلیات است
 خوب است آقایانی که در نظارت بلندی اظهاراتی

دارند در موقع شور ماده دوم اظهار بفرمایند آقای
 آقا سید یعقوب راجع به کلیات است
 آقا سید یعقوب - بلی بنده عرض می کنم اصلاً
 در این خصوص نباید صحبت بشود برای اینکه بنده خوب
 مطلع هستم که همین آقای حاج آقا جلال و همین مردم
 مسلمان و متدین حاضر شده اند که این یک تکه زمین
 بمسجد ضمیمه بشود و مجلس هم باید بآنها مساعدت
 بکند و زمین را بآنها بدهد
 رئیس - آقای سلیمان میرزا موافقت
 سلیمان میرزا - بلی بنده در کلیات موافقم
 رئیس - رای می گیریم که داخل در مواد بشویم
 یا نه آقایانی که تصویب می کنند داخل در مواد بشویم
 قیام فرمایند
 (عموماً قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد در ماده اول یک عبارت
 اضافه میشود این است (مجلس شورای ملی تصویب
 میکند)
 مخبر - خوب اینطور بکنند عبارت (مطابق
 پیشنهاد ۱۱۸۱۱ ریاست وزراء عظام را) از همان
 ماده کمیسیون بردارند درست می شود
 رئیس - آنوقت مسئله نظارت بلندی را
 نخواهد داشت
 مخبر - آنوقت آن مسئله ماده دیگر
 میشود ولی در حال فرقی نمیکند
 رئیس - این ماده دو باره قرائت می شود بعد
 رای میگیریم
 (آقای تدین بمضمون ذیل قرائت نمودند)
 مجلس شورای ملی تصویب می نماید که اراضی
 فراوانخانه مغربیه و ازمایه گذر لوطی صالح برای توسعه
 مسجد جنب آن بمسجد مزبور واگذار شود
 رئیس - آقایان بیکه این ماده را بترتیبی که قرائت
 شد تصویب می کنند قیام نمایند تماماً قیام نمودند
 تصویب شد ماده دوم قرائت می شود
 (ماده دوم را آقای تدین بمضمون
 ذیل قرائت نمودند)
 بلندی طهران مراقبت خواهد نمود که از فراوانخانه
 مزبور و مصالح آن برای توسعه مسجد و تعمیر آن تخصیص
 داده شود
 رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)
 سلیمان میرزا - آنچه را که بنده میخواستم
 عرض کنم همان است که آقای سردار معظم متذکر
 شدند و عرض میکنم همان مؤمنین و متدینین که آقای
 آقا سید یعقوب فرمودند حاضر هستند معارج کسری
 این بنا را از جهت نفوذ خودشان بدهند اگر اتفاق افتاد
 و نتوانستند بهمت عالی خودشان اقدام بکنند بدانند که
 مجلس شورای ملی برای اصلاح و تکمیل این بنا فکر
 را در موقع خودش کرده و حق خواهند داشت یک
 مبلغی تقاضا کنند و مجلس تصویب خواهد نمود که به
 آنها داده شود چون این مطلب را آقای سردار معظم
 فرمودند بنده دیگر عرضی ندارم
 رئیس - رای میگیریم بماده دوم آقایانی که
 با ماده دوم باین اصلاح عبارتی که شد یعنی باضافه
 کلمه (داده) بعد از لفظ (تخصیص) موافقت

قیام نمایند
 (متفقاً قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد در کلیات که مخالفی
 نیست؟ (گفته شد خیر) رای میگیریم به کلیه این
 لایحه باورده آقایانی که تصویب میکنند ورقه سفید
 و آقایانی که رد میکنند ورقه کبود خواهند داد
 اخذ آراء بعمل آمده و آقای سهام السلطان
 آراء را استخراج نمودند و بترتیب ذیل نتیجه حاصل
 شد
 عدم حضار ۵۶ ورقه سفید ۵۶
 اسامی رای دهندگان
 آقای بیان الملك - آقای غضنفرخان - آقای
 رئیس التجار - آقای سردار معظم کردستانی - آقای
 مواد السلطنه طباطبائی - آقای ملک الشیراز - آقای
 نجف - آقای سلطان العلماء - آقای منتهی الملك
 آقای فتح الدوله - آقای آقا سید قاضی - آقای
 آقا سید کاظم - آقای شیخ المراقب زاده - آقای
 رکن الملك - آقای مستشار السلطنه - آقای تنکابنی
 آقای سلیمان میرزا - آقای سادات - آقای آصف
 الملك - آقای شیخ الاسلام ملایری - آقای سردار
 مظفر - آقای سردار معظم خراسانی - آقای عبد
 السلطنه - آقای حاج میرزا اسدالله خان - آقای
 نصرت الدوله - آقای محقق العلماء - آقای
 صدر الاسلام - آقای شیخ الاسلام اسفهان - آقای
 حکیم الملك - آقای حمید الملك - آقای نهم الملك
 آقای اقبال السلطان - آقای شیخ ابراهیم زنجانی -
 آقای آقا سید یعقوب - آقای محمد هاشم میرزا -
 آقای آقا سید حسن کاشانی - آقای سهام السلطان -
 آقای حائری زاده - آقای حاج شیخ اسدالله - آقای
 ارباب کشمیری - آقای مؤتمن السلطنه - آقای
 مصباح السلطنه - آقای نصیر دیوان - آقای وقار الملك
 آقای احتشام الدوله - آقای امیر ناصر - آقای دیگران
 آقای میرزا هاشم آشتیانی - آقای سید محمد تدین -
 آقا میرزا ابراهیم خان ملک آرائی - آقای بیان الدوله
 آقای امین الشریعه - آقای شیر الدوله - آقای
 نصیر السلطنه - آقای شیخ محمد جواد - آقا میرزا
 ملی کارزانی
 رئیس - لایحه باتفاق آراء تصویب شد
 ارباب کمیسیون - اجازه بفرمایند
 رئیس - بفرمایند
 ارباب کمیسیون - چون آقای سهام السلطان
 در موقع شماره بعضی اوراق را فرمودند سفید است
 میخواستم بدانم فقط نوشته است سفید یا امضاء هم
 داشت
 سهام السلطان - امضاء مهادت
 رئیس - در چند روز قبل از طرف آقای سردار
 معظم و بعضی از آقایان چند فقره پیشنهاد شد طبع و
 توزیع و جزء دستور امروز قرار داده شده اولاً پیشنهاد
 راجع برسیدگی بمملکت دوره قدرت لکن در این
 موضوع جمعی دیگر از آقایان پیشنهادی کرده اند
 قرائت بشود و بعد باید رای بگیریم
 (آقای تدین پیشنهاد را بمضمون
 ذیل قرائت نمودند)